

فدراسیون یهودیان ایرانی

شماره
شوفار
SHOFAR

Iranian Jewish Federation

سال دوم - شماره ۲۶ - تیر ۱۳۶۳ - جون ۱۹۸۴ - سیوان ۵۷۴۴

نشانی



«خانه دوست کجاست؟» در افق بود که پرسید سوار.
آسمان مکتبی کرد.
رهگذر شاخه نوری که به لب داشت به تاریکی شن هابخشید
و به انگشت نشان داد سپیداری و گفت:
«نرسیده به درخت،
کوچه باغی است که از خواب خداسیزتر است
و در آن عشق باندازه پره‌های صداقت آبی است.
می روی تاته آن کوچه که از پشت بلوغ، سر بدرمی آرد،
پس به سمت گل تنهائی می پیچی،
دوقدم مانده به گل،
پای فواره جاوید اساطیر زمین می مانی
وتراترسی شفاف فرامی گیرد.
در صمیمیت سیال فضا، خش خشی می شنوی:
کودکی می بینی
رفته از کاج بلندی بالا، جوجه بردارد از لانه نور
وازاو می پرسی
خانه دوست کجاست.»

سهراب سپهری

ADRAY'S

6609 Van Nuys Blvd., Van Nuys

5575 Wilshire Blvd., L.A.

The Supermarket of Discount Shopping Shop with Confidence at Adray's



RCA SelectaVision® 25" diagonal Video Monitor with Digital Command Center

RCA's SelectaVision® Video Monitor brings a new standard of performance, convenience and versatility to your home video system.

- RCA Digital Command Center offers centralized remote control of Video Monitor, compatible RCA VCRs and Random Access VideoDisc Player (available Fall, 1983). Provides remote input switching, plus three TV channel selection options. Also turns set on and off, adjusts volume and displays channel & time on screen.
- Video/audio inputs permit connection of up to two NTSC video components (VCR, VideoDisc Player, camera, etc.) directly to the set.
- Back-of-set interface panel simplifies equipment hook-up and minimizes recabling.
- Digital frequency synthesis tuning with 127-channel capability, including up to 57 cable TV channels. (Local systems may vary, check your cable company's compatibility requirements.)
- Detail processing system sharpens and refines picture detail.
- RCA's Super AccuFilter 110" picture tube with tinted phosphors for vivid colors and lifelike pictures—even in bright room light.
- Stereo-capable audio system with Dual Dimension Sound. (External equipment required for stereo.)



Digital Command Center Remote Control
Provides complete control of your video system—TV, Monitor, VCR, Disc—all in one unit.

RCA Model VJ2020 25" diagonal



RCA SelectaVision® 25" diagonal Video Monitor with Digital Command Center

RCA's SelectaVision® Video Monitor brings a new standard of performance, convenience and versatility to your home video system.

- RCA Digital Command Center offers centralized remote control of Video Monitor, compatible RCA VCRs and Random Access VideoDisc Player (available Fall, 1983). Provides remote input switching, plus three TV channel selection options. Also turns set on and off, adjusts volume and displays channel & time on screen.
- Video/audio inputs permit connection of up to two NTSC video components (VCR, VideoDisc Player, camera, etc.) directly to the set.
- Back-of-set interface panel simplifies equipment hook-up and minimizes recabling.
- Digital frequency synthesis tuning with 127-channel capability, including up to 57 cable TV channels. (Local systems may vary, check your cable company's compatibility requirements.)
- Detail processing system sharpens and refines picture detail.
- RCA's Super AccuFilter 110" picture tube with tinted phosphors for vivid colors and lifelike pictures—even in bright room light.
- Stereo-capable audio system with Dual Dimension Sound. (External equipment required for stereo.)

RCA Model VJ2020 25" diagonal



Perfect For
Bedroom Use



RCA ColorTrak® 25" diagonal ColorTrak TV with ChannelLock Remote Control

RCA ColorTrak®—featuring the charrade convenience of 17-function ChannelLock Remote Control and multi-band cable tuning.

- 17-function ChannelLock Remote Control provides two modes of digital channel selection: direct access and forward/reverse channel scanning. It also turns the set on and off, adjusts volume up and down or mutes volume. On-screen channel number display.
- 127-channel multi-band tuning system provides access to all broadcast channels or up to 57 cable TV channels, where available. (Local systems may vary, check your cable company's compatibility requirements.)
- Digital quartz crystal tuning eliminates the need for fine tuning.
- Automatic Color Control and Flesh-tone Correction.
- Automatic Contrast/Color Tracking.
- Automatic Light Sensor.
- Super AccuFilter black matrix picture tube.
- Energy-efficient XtendedLife chassis.

RCA Model G1699 25" diagonal



This Console
with Swivel Base,
Direct Remote Control



RCA SelectaVision® Auto Focus Video Camera

RCA's new Model CC030 color video/sound camera lets the serious home video producer come closer than ever to professional results. Deluxe features include:

- "Video detail" auto focus system with manual override.
- Solid state MOS image sensor resists "burn-in" from strong light sources.
- Electronic color viewfinder doubles as instant replay monitor during playback. Detachable for remote taping.
- Titled/calendar/stopwatch for recording on-tape references.
- f1.2—6.1 power zoom lens with two zoom speeds.
- Constant automatic white balance system automatically adjusts color balance under varying lighting conditions.
- Fade controls permit professional-style scene transitions.
- Built-in VCR controls activate a compatible RCA portable video recorder (Models VJF900 and VJF170).
- Elapsed recording time indicator.

RCA Model CC030

WE
HAVE
THEM

RCA

ADRAY'S

OPEN 7 DAYS: MON.-SAT. 10-6, SUN. 11-5

We Accept MasterCard, American Express,
Visa & Personal Charges

6609 Van Nuys Blvd.
5575 Wilshire Blvd.

908-1500 and 908-1501
936-5119 and 935-8242

BOTH LOCATIONS: Video Tape Rental—Televisions—Videos—Cameras—Refrigerators
Washers/Dryers—Microwave Ovens—Small Appliances—Personal Care—Stainless & Sterling Flatware
Crystal—China—Jewelry—Optical and Toys—Hand Made Oriental Rugs & Carpets.
IN VAN NUYS ONLY: Bedroom, Dining, Occasional, Patio & Baby Furniture—Sporting Goods
Domestic Linens, Pillows & Towels—Food Department—Records—Satellite TV Antennas.

SHOFAR

IRANIAN JEWISH FEDERATION
6505 Wilshire Blvd., Suite 1101
Los Angeles, Ca. 90048

Tel: (213) 655-7730
(213) 655-7731

شوفار

تیر ۱۳۶۳
جون ۱۹۸۴

• شوفار بوسیله فدراسیون یهودیان ایرانی که سازمانی است غیرانتفاعی و ثبت شده منتشر میشود. هدف ماعتلای فرهنگ یهود، حفظ و بزرگداشت ارزشهای قومی و اخلاقی یهودیت و توسعه فرهنگ فارسی در میان یهودیان ایرانی خارج از کشور است.

مدیراداری: الیاس اسحقیان
مشاورفنی و هنری: کامران خاورانی
باهمکاری شورای نویسندگان

• نویسندگان و علاقه مندانی که نوشته هایشان در این ماهنامه منتشر میشود همگی قلم خود را برای نگاران در اختیارشما گذاشته اند. باشد که این خدمت گامی در راه تشویق شما دوستان دست بقلم برای پیوستن به ما بشمار آید.

• مقالاتی که با ذکر نام نویسنده و یا منبع خبری چاپ میشوند در محدوده مسؤلیت خود نویسنده و آن منبع خبری است.

• نقل و اقتباس مطالب شوفار با ذکر مأخذ آزاد است.

بهای درج یک نوبت آگهی

۱/۱ صفحه	۵۰ دلار
۱/۱ صفحه	۸۵ دلار
۱/۲ صفحه	۱۲۰ دلار
۱/۲ صفحه	۱۵۰ دلار
یک صفحه کامل	۲۵۰ دلار
پشت جلد	۳۵۰ دلار

برای درج آگهی باتلفن شماره

۶۵۹-۱۱۷۶

تماس حاصل فرمائید.

یادداشت ماه



در میان نامه های فراوانی که به دفتر نشریه شوفار می رسد نامه دوستی بیش از همه نظرم را بخود جلب کرد. دوست مادراین نامه پرسیده بود که جامعه یهودی مقیم امریکا از لحاظ مذهبی بر چه پایه و روشی مستقر است. آیا ما از روش ارتدکس ها پیروی می نماییم یا بیشتر متمایل به روش کنسرواتیو هستیم، یا اینکه جزو هیچکدام از آنها نیستیم بلکه راه و روش مخصوص بخود راداریم.

واقعیت امر این است که تاکنون ده هانامه به این مضمون برای ما رسیده است و نکته مهمتر اینکه بیشتر سؤال ها از طرف طبقه تحصیل کرده و جوان مطرح می شود. بنظر ما باید برای این سؤالها پاسخ مناسبی جستجو شود و نسل جوان که قید و بندها را گسسته و با آمیزش با محافل مختلف و راه و روشهای متعدد در سردرگمی عجیبی گرفتار شده است برای این سؤالها پاسخی می خواهد و چنانچه هر چه زودتر نتوانیم راه و روش مشخص که با مقتضیات زمان تطبیق داشته باشد ارائه دهیم، نه تنها قسمت عمده جوانان خود را از دست خواهیم داد، بلکه مآلاً بعلت ایجاد اختلاف بین طرز فکر افراد سنین مختلف به گسیختگی بیشتر خانواده ها کمک کرده ایم.

تاریخ یهود ایران خصوصاً در دوسه قرن اخیر و تا کمی بعد از اعلام مشروطیت نمایانگر آن است که سالیان متمادی، در گتوهای خود و بدون تماس یا اتکاء به مراتب جهان از همان عقاید و روش قرون قبلی پیروی می نمودیم و نسل اندر نسل شعائر مذهبی و مقررات رسومی را که طی قرون متمادی فرا گرفته بودیم بدون هیچ گونه تغییر و کم و کاستی به مرحله اجرا می گذاشتیم.

پس از ایجاد ارتباط با جوامع یهودی بین المللی نیز نخواستیم یا نتوانستیم آنچه را که در جهان یهودیت می گذرد مورد بررسی و تحقیق قرار دهیم و راه و روشی را که با وضع زمان تطبیق نماید برگزینیم.

در کنگره تهران که به منظور احقاق حقوق زنان تشکیل شد شاهد آن بودیم که چگونه بعضی از افراد و مقامات روحانی حتی از موافقت با اعطای کوچکترین امتیاز مالی به زنان خودداری می ورزیدند و این نکته در کلیه مظاهر که با اصل مذهب یهود نیز مخالفتی ندارد بچشم می خورد. بنظر ما اکنون هنگام آن فرارسیده است که رهبران روحانی و اجتماعی ما با در نظر گرفتن محیطی که در آن زندگی می کنیم و مسایلی که با آن مواجهیم راه حل عاقلانه و منطقی بیندیشند شاید از سردرگمی بسیاری از جوانان و افراد متعدد جلوگیری کنند و مشعل فروزان فلسفه یهودیت را با همه تجلی و تابناکی آن فراراه فرزندان یهودی ایران قرار دهند.

مادر فرصت های آینده به تفصیل در این باره صحبت خواهیم کرد.

SUPERCARE گروه پزشکی

افتتاح دوکلینیک پزشکی رادردو منطقه لوس آنجلس به اطلاع می رساند

SUPERCARE 1

Supercare Medical Clinic
1959 Kingsdale Ave.
Redondo Beach, CA 90278
(213) 542-4348

SUPERCARE 2

Westside Multi-Specialty Clinic
3200 Santa Monica Blvd.
Santa Monica, Ca 90404
(213) 828-7441

SUPERCARE گروه پزشکی

بامدیریت دکتر آرام

دکتر پرویز طالقانی

زنان و زایمان

دکتر ناصر عزیززاده

اطفال

J. Frankel, M.D.

چشم پزشکی

B. Goldman, M.D.

پزشک عمومی

دکتر بهرام محیط

زنان و زایمان

دکتر نزهت نیک اختر

جراحی پلاستیک و دست

دکتر حسین وهاب زاده

بیماری های داخلی و قلب

دکتر جواد هدایتی

گوش، حلق و بینی

دکتر احمد اورنگ

پزشک خانواده

دکتر کامران بروخیم

پزشک خانواده

دکتر بهرام پارسا

آزمایشگاه و آسیب شناسی

دکتر کاظم پایا

اطفال

دکتر بیژن رادپور

رادیولوژی

دکتر جواد رازانی

روان پزشکی

P. Steller, M.D.

جراحی

دکتر ایرج شیبانی

کلیه و مجاری ادرار

BROTMAN MEDICAL

REHABILITATION CENTER

توان بخشی

درلابلای وقایع ماه

یهودیان اجازه انجام مراسم مذهبی داده می شود. بطور خلاصه دولت بایهودیان و مسیحیان رفتاری برابر دارد. ابرامس گزارشاتی مبنی بر اینکه رژیم ایران درحد و ایجاد کوره های آدم سوزی است رد کرد و اعلام داشت که او این امر را باور ندارد و چنانچه چنین برنامه هایی وجود داشت مسلماً مأموران امریکا و اسرائیل از آن بااطلاع می گردیدند.

شوفاز: در این مورد مانظریاتی داریم که به اطلاع مقامات مربوط به یهودیان امریکا خواهیم رساند.

قسمت روابط عمومی ناوگان ششم امریکا در دریای مدیترانه در طی نشریه مطبوعاتی خود اعلام نمود که ناوگان مزبور در روز یادبود هولوکوست مراسمی در سراسر ناوهای مستقر در دریای مدیترانه برگزار نمود. ربای ارنولد رسینکف معاون امور مذهبی ناوگان مزبور مراسم مزبور را بعهده داشت. در یادار ادوارد مارتین فرمانده ناوگان ششم که یکی از اسرای سابق و یتام بوده و مدت ۶۸ ماه در اسارت و یت گنگ ها بوده بیادبود شهدای هولوکوست نطقی مهیج و تکان دهنده ای ایراد نمود.

این اولین بار است که از طرف پنتاگون اجازه انجام چنین مراسمی به ناوگان ششم امریکا داده شده است.

اخیراً آقای البوت ابرامس معاون وزارت امور خارجه امریکا در امور مربوط به حقوق بشر و مسایل انسانی در کنفرانس رهبران یهودی امریکا نطقی مهیج ایراد کرد. نامبرده در طی این نطق در مورد فشارهایی که به جامعه یهودیان شوروی وارد می گردد و از عدم اجازه خروج آنان و جلوگیری از انجام مراسم مذهبی به تفصیل صحبت نمود. و خاطرنشان ساخت در دنیای امروز بیشتر فشار و تهدیدی که به یهودیت وارد می شود از طرف کشورهای چپ افراطی است و این کشورها که سازمان تروریستی پی. ال. او. و دولت تروریست لیبی راتحت حمایت گرفته اند نه تنها با ستاره داوود بلکه بانقش ستاره امریکا نیز دشمنی می ورزند.

در مورد یهودیان حبشه ابرامس اعلام نمود که فشار به آنان تا حدی کاهش یافته است و اخیراً به تعداد زیادی از آنان اجازه مهاجرت به اسرائیل داده شده و ضمناً به مدرسه ارت در شهر گندار که هنوز بیش از ۲۵۰۰۰ نفر یهودی در آن زندگی می کنند اجازه داده شده است فعالیت آموزشی خود را از سر بگیرد. در پاسخ پرسشی درباره یهودیان ایران اظهار داشت متأسفانه آنان نیز در شرایط مطلوبی بسر نمی برند اما با مداخلاتی که اقلیت بهایی ایران با آن مواجه است رو برو نیستند. در چند ماه اخیر اعدای صورت نگرفته و به

«نمایشگاه یهودیان در المپیک»

در ۶۵۰۵ و پلشر بولواری برگزار خواهد گردید. ورود برای همگان آزاد است و بازدید از نمایشگاه تا ۲۶ سپتامبر ادامه خواهد داشت.

• بطوریکه از کمیته برگزاری یهودی مراسم المپیک اطلاع می دهند، نمایشگاهی تحت عنوان «یهودیان در المپیک» از اول جولای ۱۹۸۴ در محل جوینش قدرین واقع

حق اشتراک مجله شوفاز

خواهشمند است مبلغ ۳۶ دلار بابت اشتراک سال ۱۹۸۴ مجله شوفاز را به ضمیمه این پرسشنامه برای فدراسیون یهودیان ایرانی ارسال فرمایند.

Name _____

Address _____

Tel. No. _____

IRANIAN JEWISH FEDERATION

6505 Wilshire Blvd., Suite 1101
Los Angeles, CA 90048



یکسال دیگر گذشت

یکسال دیگر از درگذشت موسی کرمانیان یکی از فرزندان شایسته ملت مامی گذرد. او از آن شعله های تابناکی بود که هر چند گاه در آسمان تاریخ ملت مامی درخشند و با فروغ خود رهنمون جامعه ما بسوی تعالی و تکامل می گردند. موسی کرمانیان سراسر زندگی را وقف مبارزه برای پیشرفت و بهروزی جامعه اش کرد. از ابتدای جوانی بخنعت مردم کمر بست و تا پایان عمر نیز به میثاق و پیمانی که با مردم داشت وفادار ماند. انسانی پاک و در مبارزه برای احقاق حقوق ملتش مبارزی بی باک بود. تاریخ معاصر یهود ایران خدمات او را در مورد تاسیس باشگاه و انتشار روزنامه به منظور بالا بردن سطح فرهنگ دانش یهودیت و دهها خدمات اجتماعی دیگر هرگز فراموش نخواهد کرد. دانش و آگاهی او از وقایع تاریخ یهود بی نظیر و در تجزیه و تحلیل مسایل روز همتابی نداشت. فقدان او هنگامی که جامعه یهود ایران در خارج از کشور با بحرانی ترین لحظات زندگی خود مواجه بود ضربه ای جبران ناپذیر و مصیبتی جانگداز بود.

روانش شاد و خاطره اش جاودانه گرامی

باد.



ایران و صادرات نفت از خلیج فارس

بحران خلیج فارس و حمله به کشتی های نفت کش که از چند ماه قبل در منطقه جنگی اعلام شده توسط عراق شروع شده بود با اقدام متقابل ایران تشدید شد و در هفته های اخیر تشنج به نحو فزاینده ای بالا گرفت. حتی تصمیم شورای امنیت و آتش بس محدودی که در دهم ماه جون بوسیله دبیر کل سازمان ملل متحد بین طرفین ترتیب داده شد مانع سایر اقدامات جنگی و از جمله محاصره دریایی جزیره خارک نشد.

تاکنون بیش از شصت کشتی تجارتی و نفت کش در خلیج فارس مورد حمله قرار گرفته است که بشدت در میزان حمل نفت و ترافیک کشتی هادر قسمت شمالی خلیج تاثیر گذارده است. هدف عراق از محاصره دریایی جزیره خارک کاملاً روشن است. عراق می خواهد با این ترتیب ایران را از درآمد نفت محروم نماید تا دسترسی آن به خرید سلاح های خارجی محدود و سرانجام راهی برای کشاندن ایران به میز مذاکره پیدا شود.

اما حمله ایران به کشتی های خارجی در خلیج فارس هیچ هدفی را توجیه نمی کند. شعار خلیج فارس یا باید برای همه امن باشد یا هیچکس ممکن است از لحاظ برانگیختن احساسات ناسیونالیستی کارساز باشد، ولی هیچ نشانی از مسئولیت های یک دولت را که قاعدتاً باید به امکانات و محدودیت های خود واقف باشد در بر ندارد.

عراق نزدیک به چهار سال است که از صادرات نفت از طریق تاسیسات بصره و ترمینال فاومحروم شده، سوره درمهدردی با ایران و در قبال دریافت بیش از یک میلیارد دلار کمک از ایران، خط لوله ای را که نفت عراق را به بندر بانایاس در مدیترانه حمل می کند مسدود کرده است و بدین ترتیب عراق با از دست دادن بیش از ۷۵ درصد از صادرات قبلی خود تنها راهی که جهت صادرات نفت برایش باقیمانده خط لوله ای است که به ترکیه می رود و ظرفیت روزانه آن ششصد هزار بشکه است که چند سال اخیر با افزودن تلمبه خانه ها و تمهیدات دیگر آن را به ۷۰۰ هزار بشکه در روز افزایش داده است. بنابراین عراق برای تأمین هزینه های جنگ و سایر نیازهای خود در این چند سال به کشورهای عربی دیگر و بالاخص عربستان و کویت متکی بوده است. عراق تاکنون بیش از سی میلیارد دلار از این کشورها وام دریافت کرده و حتی در مواردی عربستان سعودی روزانه تا چهارصد هزار بشکه از نفت صادراتی خود را به حساب عراق به مشتریان این کشور تحویل داده است. بنابراین عراق می تواند در صورت ضرورت با استفاده از منابع کشورهای عربی مانند چند سال گذشته به زندگی طفیلی خود ادامه دهد و در وضع فعلی ناامنی در خلیج فارس تأثیر چندانی بطور مستقیم روی آن نخواهد گذارد.

ناامنی بیشتر در خلیج فارس فقط ممکن است صادرات نفت عربستان سعودی و کویت را مختل نماید، باین فرض که درآمد این کشورها از صادرات نفت کاهش یابد و در نتیجه با کمک کمتر به عراق این کشور در ادامه جنگ تضعیف شود.

اگر چنین سناریویی تحقق پیدا کند، که احتمال آن بعید به نظر می رسد، الزاماً قطع صادرات نفت از خلیج فارس همراه با قطع کامل صادرات نفت ایران خواهد بود که بیش از هر چیز برای ایران به یک فاجعه شباهت خواهد داشت.

قدر مسلم آن است که غرب اجازه نخواهد داد صادرات نفت در خلیج فارس برای یک مدت طولانی قطع شود زیرا در حال حاضر که صادرات عراق از خلیج فارس به صفر رسیده روزانه ۷ تا ۸ میلیون بشکه نفت از تنگه هرمز عبور می کند که ۲۰ درصد مصرف نفت کشورهای غیر کمونیست جهان را تشکیل می

دهد و از آن میان صادرات عربستان سعودی به تنهایی ۱۰ درصد نفت دنیای غرب را تأمین می کند.

به فرض که وضعی پیش آید که قطع صادرات نفت از خلیج فارس را ایجاب کند، این مسأله به کشورهای مصرف کننده و صادرکنندگان غیر ایرانی آن لطمه چندانی نخواهد زد. از لحاظ مصرف کنندگان باید گفت که با توجه به کاهش صادرات کشورهای اوپک در چند سال اخیر از ۳۲ میلیون بشکه در روز به ۱۷/۵ میلیون بشکه فعلی، برای سایر کشورهای عضو اوپک تأمین لااقل ۴ میلیون بشکه از نفت خلیج فارس در صورت قطع نفت بسیار آسان است، خاصه آنکه کشورهای چون نیجریه و لیبی در پی بدست آوردن بازارهای فروش جدیدی هستند.

در چنین صورتی عربستان سعودی هم می تواند از چهار میلیون بشکه نفتی که فعلاً از بنادر خلیج فارس صادر می کند دو میلیون بشکه آن را از طریق خط لوله شرقی غربی خود که برای حمل گاز احداث شده به بنادر دریای احمر برساند و کشورهای غیر عضو اوپک مانند شوروی و بریتانیا نیز با احتمال زیاد آماده خواهند بود مقدار بیشتری نفت به بازار جهانی عرضه کنند.

در کوتاه مدت قطع نفت خلیج فارس نگرانی مهمی برای کشورهای مصرف کننده ایجاد نخواهد کرد. ذخائر استراتژیک جهان به نحوی است که تأملتها اثر قطع شدن یکباره نفت خلیج فارس را جبران می کند. طبق یک برآورد ذخیره شناوری که عربستان سعودی در تانکرهای نفت کش روی دریاها نگهداری می کند بین ۸۰ تا ۱۰۰ میلیون بشکه نفت است که قسمت عمده آن در نزدیک ژاپن و سایر مصرف کنندگان مهم نگهداری می شود.

کشورهای صنعتی دنیای غرب نیز ذخائر استراتژیک بیکی به میزان یکصد روز مصرف خود را نگهداری می کنند که در مورد امریکا این ذخیره به تنهایی چهارصد میلیون بشکه است و طبق برنامه وزارت انرژی امریکا قرار است طی ۵ سال آینده به ۷۵۰ میلیون بشکه و تا سال ۲۰۰۰ به یک میلیارد بشکه برسد.

از طرفی صرفه جویی در انرژی و جایگزین کردن انرژی های دیگر که بعد از تحریم نفتی

اعراب در سال ۱۹۷۴ شروع شد نه تنها نیاز به کل نفت را نسبت به سال ۱۹۷۴ کاهش داده بلکه طبق برآورد کارشناسان نفت در سال ۱۹۸۴، با فرض اینکه بازار مشترک ۲/۵ درصد هم به مصرف خود بیافزاید، معذک جمع کل مصرف در سال جاری ۱۰ درصد کمتر از سال ۱۹۷۹ خواهد بود. مضافاً آنکه ده سال قبل در زمان تحریم نفتی سال ۱۹۷۴، اروپای غربی دوسوم نفت خود را از خلیج فارس تأمین می کرد، اکنون این رقم به یک سوم رسیده است. در همین مدت واردات نفت امریکا از خلیج فارس به سه درصد واردات این کشور تقلیل پیدا کرده است. بنابراین قطع نفت خلیج فارس ضمن آنکه ضربه سنگینی برای دنیای غرب خواهد بود، مسأله ای نیست که در بلندمدت راه حلی برای آن در دست نباشد.

از لحاظ وضع مالی کشورهای صادرکننده و از جمله عربستان بطوری که گفته شد، این کشور می تواند فوراً دو میلیون بشکه از نفت از دست رفته را از طریق انتقال به بندر یانبو در دریای احمر جبران نماید و در بلندمدت انتقال مقادیر بیشتری از طریق خط لوله های دیگر بسیار امکان پذیر است. باید اضافه کرد که در سال های اخیر استراتژیست های غرب امکان انتقال صادرات نفت عربستان سعودی را به بنادر غربی این کشور که از امنیت بیشتری از خلیج فارس برخوردار است مورد توجه قرار داده اند. عراق نیز بعد از تجربه چند سال اخیر در جنگ با ایران، هم اکنون احداث دو خط لوله بزرگ را به بندر یانبو در عربستان و عقبه در اردن برنامه ریزی کرده که به مراحل اجرایی آن نیز نزدیک شده است.

عربستان سعودی با سرمایه گذاری های خارجی و ذخیره های ارزی خود در سال های اخیر که بیش از ۱۵۰ میلیارد دلار برآورده شده و با جمعیت شش میلیونی سالانه حداقل ۱۰ میلیارد دلار درآمد حاصله از سرمایه گذاری های خارجی خود را دریافت می کند و می تواند سالیان دراز با اتکاء به درآمد نفت کمتر و استفاده بیشتر از ذخائر خود و تعدیل برنامه های عمرانی سر پای خود بایستد و حتی تمهیدات خود را در مقابل عراق، سوره و سازمان آزادی بخش فلسطین نیز انجام دهد. کویت هم با ذخائر فراوان ارزی و جمعیت کم، چندان نگرانی زیادی نخواهد داشت.

دکتر فریدون نایسان

دندانپزشک

F. Naysan D.D.S.

10350 Santa Monica Blvd., Suite 190,
L.A., Ca. 90025

تقاطع سانتامونیکا کوچک و بوری گلی

(213) 557-1704

بیمه های درمانی پذیرفته می شود.



دکتر آونر منظور

جراح متخصص بیماری های

زنان، زایمان و نازایی از امریکا

عضو کالج متخصصین بیماری های زنان

وزایمان امریکا

عضو کادر پزشکی بیمارستان

سیدر ساینای

Ceder Sinai Medical Offices
Suite 440 East
8631 W. 3rd St.
Los Angeles, CA 90048
Tel: (213) 855-7071

دکتر بهرام کشفیان

دندانپزشک

Bahram Kashfian D.M.D.
Prosthodontist

CENTURY MEDICAL PLAZA
2080 CENTURY PARK EAST,
SUITE 507
CENTURY CITY
TEL: (213) 553-1578

پذیرائی باتمین وقت قبلی



میلیارد دلار برای واردات خارجی پرداخت کرده است. اگر فرض کنیم حداکثر ۶ میلیارد دلار از این مبلغ برای واردات کالاهای جنگی بوده نیاز خالص کشور حتی در دوران صلح کمتر از سالانه ۱۶ میلیارد دلار نیست و باتوجه به وضع تولید کشاورزی، کمبود مواد غذایی و واردات قسمت عمده مواد اولیه و مواد واسطه صنایع که از خارج باید تامین شود در شرایط عادی و حتی تحت یک برنامه شدید عسرت اقتصادی نیاز ایران به واردات خارجی سالانه کمتر از ۱۲ میلیارد دلار نخواهد شد و باتوجه به ذخائر ارزی کشور که طبق برآورد محافل بانکی جهان بیش از ۵ تا ۶ میلیارد دلار نیست ناگفته پیداست که قطع درآمد نفت چه فاجعه ای ببار خواهد آورد.

در همین چند هفته نگرانی درباره احتمال کاهش شدید درآمد نفت باعث شد که شایعاتی در مورد احتمال تحویل مجدد گاز به شوروی پرمسربانها افتد که اگر هم موقتی در این باره حاصل شود درآمد کل سالانه آن مبلغ قابل توجهی را تشکیل نمی دهد.

به هر حال نشانه هایی در دست است که تب جنگ به تدریج فرو خواهد نشست. قبول آتش بس محدود سازمان ملل متحد، جملات خرد کننده به شهرهای مرزی دو کشور، موج فزاینده مشکلات اقتصادی کشور که تحت هیچ شرایطی جزئیات و امنیت سیاسی فرو نخواهد نشست تا حدی باعث شده واقعیت های موجود، از شمار و جنجال محسوس شود و این امید را بوجود آورد که دیر یا زود باید شاهد پایان این جنگ خانمان سوز باشیم.

دو دنیا امنی در خلیج فارس بیش از هر کشور دیگری به چشم ایران خواهد رفت. کماینکه ظرف دو هفته پس از آغاز بالا گرفتن تشنج در خلیج فارس، صادرات نفت کشور که روزانه بین ۱/۷ میلیون بشکه در روز بود به ششصد هزار بشکه در روز کاهش یافت، زیر شرکت های نفتی ژاپن از اعزام نفت کش به خارک خودداری نمودند و با عقب کشیدن ترکیه و چند مشتری دیگر عملاً تحویل نفت از خارک به کشتی های بزرگ که سابقاً یک کشتی در روز بود به ۲ تا ۳ روز یک کشتی رسید و تنها ترمینال لاوان توانست بدون وقفه بکار خود ادامه دهد که ظرفیت آن چندان قابل توجه نیست.

ایران قبلاً برای جبران حق بیمه اضافی مناطق جنگی مجبور بود تخفیف های نسبتاً زیادی به مشتریان خود بدهد ولی پس از بحران اخیر و خودداری ژاپن از حمل نفت تخفیف های بیشتری پیشنهاد کرد که موثر واقع نشد.

ایران به هیچ وجه نخواهد توانست برای یک مدت طولانی قطع یا کاهش شدید درآمد نفت را تحمل کند زیرا باتوجه به ذخائر ارزی فعلی و صادرات غیر نفتی کشور و بدتر از همه نیازهای وارداتی، ضربه وارده از قطع درآمد نفت چیزی نیست که اقتصاد بیمار ایران بتواند آن را تحمل کند.

صادرات غیر نفتی کشور ماهانه کمتر از ۵۰ میلیون دلار است. طبق گزارش رئیس بانک مرکزی، ایران در سال ۱۳۶۲ مبلغ ۲۲



د کتر بیژن بروخیم

جراح و متخصص بیماریهای زنان،
زایمان و نازائی

Diplomate American Board of
Obstetrics and Gynecology

تلفن: ۵۰۱-۶۷۷۵

16311 VENTURA BLVD.
SUITE 745
ENCINO, CA 91436

9024 BURTON WAY
BEVERLY HILLS, CA. 90211

د کتر پرویز پیرنظر



متخصص بیماریهای زنان و زایمان

10921 Wilshire Blvd. Suite 1110
(Westwood Medical Plaza)
Los Angeles, Ca. 90024
Tel: (213) 824-0049

Wilshire Medical Pharmacy

- PRESCRIPTIONS
- HOSPITAL SUPPLIES
- BOUTIQUE COSMETICS

JOSEPH A. WINESTOCK
PHARMACIST

We Prepare
Medications to Be Sent
to Iran

PROMPT DELIVERY

6920 WILSHIRE BLVD.
BEVERLY HILLS, CA 90211
CORNER LA PEER DR.

653-2390

657-0750



EMERSON
RICE COOKER

136 S. Beverly Dr.
Beverly Hills, CA 90212

پلوپز امرسون
همان پلوپزی که
در ایران می شناختید
مطابق با سلیقه و ذوق و طبع ایرانی

پلوپز امرسون مرغوبترین پلوپز

با قیمت مناسب

برای اطلاع بیشتر با تلفن

(۲۱۳) ۸۵۸-۱۰۷۷

تماس بگیرید.

تعمیرگاه وسایل خانگی

تعمیر کلیه وسایل الکتریکی از قبیل

سماور، جاروی برقی، چرخ

خیاطی، چرخ گوشت،

فودپراسسور و غیره

آدرس: ۸۶۶۰ پیکوی غربی

بین لاسینه گا و رابرتسون

۶۵۲-۰۷۵۵

تلفن:

۶۵۹-۳۲۸۷

یام مارکت

YUM MARKET

یام مارکت: تهیه کننده بهترین و مرغوبترین میوه و سبزیجات

روز و جووبات و لبنیات کاشر

اجناس یام مارکت رامی توانید با نازلترین قیمت خریداری کنید

بنابراین خرید از یام مارکت از هر نظر به سود شما خواهد بود.

نشانی: ۹۰۱۶ پیکو بلوارد - دوهینی - تلفن ۸۱۲۵-۸۵۹ (۲۱۳)



از: هفته نامه پدیموت
ترجمه: سیروس حلاوی

ریمون ارون نابغه و فیلسوف مشهور فرانسه
دوهفته قبل از مرگ ضمن مصاحبه ای
بایشعیا هوبن پورات نو پسند اسرائیلی گفت:

استقلال اسرائیل یکی از حوادث شگفت انگیز قرن حاضر است

در جنگ ۱۹۵۶ اسرائیل به تحریک انگلیس و فرانسه به مصر حمله کرد

• سوریه و سایر کشورهای عرب تحمل
وجود یک اسرائیل قوی و بزرگ رادرخاورمیانه
ندارند.

• انتقاد من از مناخم بگین این است که
بعد از امضا قرارداد کامپ دیوید نسبت به
فلسطینی ها از خود بزرگ منشی نشان نداد.

• اسرائیل در جنگ ۱۹۵۶ به تحریک
انگلیس و فرانسه به مصر حمله کرد اما در ژوئن
۱۹۶۷ چون در مقام دفاع از خود پیشدستی
کرد محق بود لکن در نبرد یوم کیپور ۱۹۷۳
من حق رابه جانب مصریان دادم و از دو سال
قبل از آن به رهبران اسرائیل گفتم حداقل به
سادات امکان یک پیروزی محدود نظامی
بدهید تا بتواند با شما بر سر میز مذاکره بنشینند.

• اعلام استقلال اسرائیل را باید یکی
از حوادث معجزه آسا و شگفت انگیز قرن
حاضر بشمار آورد و آن رابه صورت حکایتی
بدیع و زیبا در قلب تاریخ قوم یهود حفظ کرد.

• خروج یکطرفه قوای نظامی اسرائیل
از لبنان اکنون دیگر بی معنی است بخصوص
آنکه معلوم نیست سرنوشت آن کشور باتوجه به
درگیری های طایفه ای و جدال های داخلی
بالاخره به کجا خواهد انجامید، مع هذا
مصلحت اسرائیل در آن است که تا حد امکان
از حضور نظامی خود در آنجا بکاهد.

ضمن سیاستگزاری از هموطنانی که این تاجیز را در ترجمه بعضی مطالب نشریه های اسرائیلی مورد لطف
و عنایت قرار می دهند کسانی نیز هستند که از درج بعضی جملات اظهار کله و شکایت می کنند.
لازم به یادآوری است تقریباً کلیه مطالب مندرجه ترجمه و به نقل از نشریه های مذکور است. با این
کیفیت با اینکه کرا را نیز بطور شفاهی منتد کرده ام باز هم می نویسم در ترجمه باید امین و صادق بود
و لواتکه مطالب مخالف سلیقه و نظر خود مترجم باشد.

منیاب مثال در مورد مصاحبه با فقیه سعید پروفیسور ارون گر چه بخاطر دارم سالها قبل بن گوریون،
گلدامایر، مناخم بگین و ایگال الون در جواب خورده گیری های امثال پروفیسور ارون نظیر دکترناحوم
گلدیمان، مهندس مرنس، بروئوکر ایسکی می گفتند شهادستی از دور بر آتش دارند یا کنار گود استاده اید
ومی گوید لنگش کن مع هذا و قوف بر این جوابها موجب آن نشد تا در بعضی از جواب های آن بزرگوار دخل
و تصرف کنم و بابه فصد خوش آیند عده ای به تحریف بعضی جملات مبادرت ورزم. امیدوارم با این چند
کلمه برای همیشه جواب انتقاد کنندگان را که خوشبختانه تعداد آنها بسیار کم و محدود است داده باشم
و این مطلب را بخاطر داشته باشید که از برخورد و تضاد عقاید نتایج مطلوب تری بدست می آید و ریشه اعتقاد
و طرفداران فلسفه دموکراسی نیز چیزی جز این نیست.

باتقدیم احترام
سیروس حلاوی

● با اریک شارون سال گذشته در کپنهاگ ملاقات کردم و او را براسستی سرداری شایسته و منکی بخود یافتیم، گرچه بایان مکرر جمله ای ناراحتی کرد.

● بین سال های ۱۹۳۳ - ۱۹۳۱ که در دانشگاه برلین تدریس می کردم به یهودیان آلمان یادآور شدم تا فرصت باقیست آن کشور را ترک کنند زیرا تک مضراب های ضد یهودی رابه وضوح احساس می کردم.

● اسرائیل پدیده واقعیته غیرقابل انکار در منطقه خاورمیانه است و همواره باید قدرت نظامی خود را حفظ کند.

● من در یک خانواده بالنسبه ثروتمند یهودی فرانسوی به دنیا آمده ام و ازدوران نوجوانی دوست و همگام و همراه زان پل سارتر ام و به هنگام تشکیل دولت فرانسه آزاد در کناره ژنرال دوگل برای نجات کشورم فعالیت می کردم.

پروفسور ریمون ارون به سال ۱۹۰۵ در پاریس متولد شده و در هفدهم اکتبر ۱۹۸۳ چشم از جهان فرو بست. دکتر کی سینجر وزیر امور خارجه امریکا پس از مرگ نابغه فرانسوی گفت: ارون در دانشگاه استاد من بود. استادی فروتن و متواضع و سرشار از عالی ترین عواطف و احساسات انسانی، تاجایی که باید بگویم هیچ کس به اندازه او در من اثر نگذاشت و به همان مناسبت در کنار بسیاری از دوستداران فضل و دانش جهان جای خالی وی را در دنیای آشفته امروز احساس می کنم.

ریموند ارون پس از جنگ دوم جهانی از دانشگاه سوربن پاریس لقب پروفسور فلسفه را گرفت و در سه نشریه معروف کومبا، فیگارو و اکسپرس از خود اثرات فراوان برجای گذارد.

یشیما هو بن پورات نویسنده اسرائیلی می نویسد: پس از آنکه در پاریس کتاب خاطرات ریموند ارون را خواندم با او تلفنی تماس گرفتم و گفتم: چرا فقط بخش کوچکی از کتاب خود را اختصاص به یهودیت و دولت اسرائیل داده اید؟ ارون پرسید: مگر کسانی هم خواهان اطلاعات بیشتری هستند؟ جواب دادم بله. من خود یکی از آنها هستم. ریمون ارون باتواضع و فروتنی بسیار برای روز پنجم اکتبر ۱۹۸۳ بمن وقت ملاقات داد. دفتر کار او در یکی از اطراف های اداره مجله اکسپرس بود. مدت پنج ساعت با او به مصاحبه پرداختم و باخوش رویی بسیار به سوالاتم پاسخ داد و درست دوهفته پس از آن جهان را وداع گفت و مرانیز نظیر بسیار کسانی که به مقام والا و ارزش های علمی و انسانی او ارج می نهادند غرق در عزرا و ماتم کرد.

در آن ملاقات از وی پرسیدم: از چه موقع



ریمون آرون

احساس کردید که بقوم ملت یهود وابسته هستید؟ ارون پاسخ داد که من نه ساله بودم که جنگ اول جهانی شروع شد و از آنجا که قبل از یهودی بودن به فرانسه می اندیشیدم تمام افکارم متوجه پیروزی میهنم در آن جنگ بود اما به تدریج که با موضوع محکومیت و سپس تبرئه کاپیتان دریفوس آشنا شدم و جزوه های متعدد مربوط به آن را در دفتر کار پدرم که از قضاات محترم و مشهور فرانسه بود مورد مطالعه قرار دادم، نسبت به قوم خود احساس همبستگی بیشتری کردم. در عین حال لازم به یادآوری است که من در یک خانواده غیر مذهبی یهودی پرورش یافته ام و تا سن سیزده سالگی حتی یک بار قدم به کنیسا نگذاشته ام. هرگز برای من مراسم برمیصوا اجرا نشد.

از دوران طفولیت کم و بیش اعیاد پسخ سوکوت و یوم کیپور را بخاطر دارم. لکن موضوعی که بعد از جریان کاپیتان دریفوس همبستگی مرا با یهودیت محکم تر کرد این بود که برادر بزرگترم آدریان یک روحانی یهودی بنام کهن رابه منزل آورد و به من تکلیف نمود تا از وی زبان و تعلیمات کیش و آیین یهودیت را بیاموزم. کمی که بزرگتر شدم باز به تحقیق در اطراف محاکمه و تبرئه دریفوس پرداختم و با معلم که یکی از معلولین جنگ اول و در ردیف راست گریبان فرانسه بود به بحث و گفتگو نشستیم. او در عین حال مردی خوش مشرب و دوست داشتی بود، ضمن تحسین از من به مناسبت وسعت اطلاعات اجتماعی ام معتقد بود که دریفوس نه فقط به علت فقر دلیل تبرئه شد بلکه اساساً وزارت جنگ و دادگستری فرانسه مایل بودند سر و صدای موضوع را بخوابانند لکن من هرگز با این نظریه موافقت نداشتم و بحث مامدتها بدون اخذ نتیجه ادامه

یافت.

س: اطلاع دارم که شما یکی از شاگردان بسیار ساعی و ممتاز مدرسه نورمال پاریس بودید و همانجا بود که زان پل سارتر را بدوستی خود برگزیدید، آیا در آن مدرسه یهودیانی از پاریس نیز مشغول تحصیل بودند؟

ج: بخاطر می آورم بله، اما خود نمی دانم چرا برایم این مسأله مهم نبود. بنابراین روابط دوستی بینمان برقرار شد اما زوماً این به آن معنی نیست که از آنها دوری می جستیم.

یکی دو بار با زان پل سارتر در مورد تاریخ یهود بحث هایی داشتیم لکن از دهه سوم قرن حاضر به بعد که نهضت یهودیان جهان اوج صعودی گرفت بارها در اطراف آن با وی مذاکره داشتیم.

س: شما و «سارتر» و «مزان» از همان موقع سه یار متحد و چپ گرایش می آمدید. آیا یهودی بودن شما مانع آن دوستی هابشمار نمی آمد؟ ابدأ. زیرامن همانطور که گفتم قبل از یهودی بودن فرانسوی هستم. بعلاوه باید بخاطر داشته باشید که نیزان زن یهودی داشت و در خانه اش آیین یهودیت حکمفرمایی می کرد. از آن گذشته چون پدرم از قضاات عالی رتبه و در عین حال ثروتمند بود و خود نیز شاعران انسان دوستی است همواره مورد محبت و احترام آنها و سایرین قرار داشتم.

س: شما در سال های ۱۹۳۳ - ۱۹۳۱ در دانشگاه برلین تدریس می کردید، آیا شروع احساسات ضد یهودی را نیز در آن کشور پیش بینی کردید؟

ج: اوه، بله. به سال ۱۹۳۳ ضمن مقاله مفصل و مشروحی در یکی از جرائد برلین علناً خطاب به یهودیان آلمان نوشتم که آن کشور را ترک کنند زیرا تدریجاً عرصه را بر آنان تنگ خواهند کرد، و پیش بینی کردم که بزودی یهودیان را از تصدی مقامات حساس علمی و اجتماعی و سیاسی باز خواهند داشت. البته در آن موقع عده ای از یهودیان سرشناس و متمکن آلمانی عقاید مرا مردود دانستند و می گفتند این تبلیغات یهودیان امریکا است که می خواهند هیتلر را بدنام و موجبات سقوط وی را فراهم کنند، در حالی که تبلیغات ضد یهودی تدریجاً در حال گسترش بود و همه از طریق رسانه های گروهی به حرکت بطشی و سپس خشونت آن پی می بردند تاجایی که موضوع در فرانسه نیز اثر گذاشت و عده ای از فرانسویان معتقد بودند که اصرار یهودیان فرانسه برای مقابله با آلمان بقصد و منظور سقوط هیتلر است نه خیرخواهی نسبت به فرانسه.

درست بخاطر دارم در آن زمان لئون بلوم نخست وزیر فرانسه بود و به هنگام ظهور تصویر وی بر پرده سینماها شعارهای ضد یهودی پخش می

بامسائل سیاسی و درگیری های بین المللی از زبان رهبران بزرگ جهان بی معنی و فاقد هرگونه ارزش و اعتبار اخلاقی است.

زوماً باید بگویم که در روابط میان دولت ها نیز کلماتی از قبیل اخلاق و عاطفه کهنه و ازمد خارج شده است. و من در همان زمان به انتقاد از حکومت دوگل پرداختم و نوشتم قراردادهایی که بسته ایدواقساط آنها را در رأس مواعدهای مقرر دریافت داشته اید بنابراین باتوجه به اینکه مصری ها بقوای سازمان ملل در صحرای سینا امر به خروج دادند و این عبدالناصر بود که در صدد بستن راه دریایی تیران برخلاف قول و قرارهای قبلی برآمد باچه مجوزی به تضعیف مذاق می پردازید؟

سپس بعد از جنگ ۱۹۶۷ ضمن بازدید از اورشلیم با بسیاری از رهبران سیاسی و شخصیت های علمی و اجتماعی شمایه گفتگو نشستم. خوب بخاطر دارم که وقتی بالوی اشکول در باره گشایش و مضیقه مذاکره می کردم از او پرسیدم، آیا جنگ شش روزه برای اسرائیل گشایش بسیار آورده یا مضیقه؟ لیکن اشکول زیر کانه لبخندی زد و از جواب تفره رفت و من در مراجعت به پاریس طی مقالات متعددی به انتقاد از سیاست اسرائیل بعد از جنگ شش روزه پرداختم و نوشتم اسرائیلی ها فقط به موقعیت استراتژیکی خود می اندیشند و از ارائه یک برنامه جدی به قصد صلح و سازش در منطقه شانه خالی می کنند. بنابراین وقتی شما بدون اعلام هیچگونه مقدمه قبلی گفتید اگر اعراب مایلند بیایند تا بر سر میز مذاکره بنشینیم افکار عمومی جهان در حسن نیت شما شک کرد و همانجا بود که بسیاری شمارا متهم به توسعه طلبی و قدم در راه تعبیر خواب اسرائیل بزرگ معرفی کردند. آخر چگونه ممکن بود در حالی که تمام صحرای سینا در اشغال اسرائیل بود مصریان باشما به مذاکره بنشینند. بهمان علت بود که در جنگ یوم کیهو حق را به جانب انومادات دادم.

س: آیا ادامه اشغال مناطق یهودا و شومرون و غزه نیز از نظر شما یک عمل غیر اخلاقی است؟

ج: سؤال دشواری را مطرح کردید. از طرفی معنی و مفهوم ادامه عملیات آبادی سازی در مناطق نامبرده چیزی جز نیت ضمیمه کردن اراضی مزبور به اسرائیل نیست، از طرف دیگر من هرگز نظرات وزارتخانه های امور خارجی کشورهای اروپای غربی را به تاسیس یک دولت مستقل و مسلح فلسطینی در یهودا و شومرون جدی نگرفته ام و در عین حال پیش بینی خطرات چنان دولتی را از نقطه نظر رهبران اسرائیل بخوبی درک می کنم. اما شما که قبل از جنگ شش روزه از هتل معروف کینگ دیوید تا مرز اردن فقط چند



ژنرال دوگل

صدمتر فاصله داشتید اکنون تسلط به چهارده هزار کیلومتر مربع از ساحل غربی رود اردن و فرمانروایی بر یک میلیون عرب ساکنان آنجا و غزه را چگونه تعبیر می کنید؟ شما می گوید این اخلاقی است؟ شما خواستار امنیت در مرزهای اسرائیل هستید اما از ته دل حداقل می خواهید نصف آن مناطق را ضمیمه خود کنید بنابراین چه کسی باور کند که فقط در جستجوی مرزهای امن هستید.

صیونیست ها و برنامه های آنها در مراحل بوجود آمدن یک دولت یهودی شایسته هرگونه تقدیر و تحسین بود. البته تا آنجا که اسرائیل بصورت یک دولت مقتدر نظامی عرض وجود کرد بخشی نیست اما اشغال نظامی و ظاهراً شدن بصورت یک قدرت بزرگ و اقمیت هایی است که دفاع از آنها به آسانی ممکن نیست.

س: با این تفسیر آیا احساس یاس و نومیدی می کنید؟

ج: نه این طور نیست، چون بهرحال همیشه خود را قانع کرده ام که اسرائیل نیز نظیر سایر کشورهای جهان و بزرگی های مخصوص بخود دارد و با مسایل و مشکلات پیچیده ای رو بروست معهدا گهگاه می اندیشم اگر در انتخابات آینده سوسیالیست ها روی کار بیایند شاید به نحوی خود مختاری شایسته تر از آنچه مورد نظر بگین بود به ساکنان مناطق اشغالی بدهند.

س: آیا اگر اسرائیل و فلسطینی ها هر دو حق یکدیگر را در منطقه به رسمیت بشناسند می توان به امکان یک راه حل قطعی صلح امیدوار بود؟

ج: البته من موافق هستم، اما متأسفانه



شارون

در شرایط فعلی به دلایل متعدد این موضوع غیر عملی است. حمله شمایه لبنان موضع بسیاری از فلسطینی های محافظه کار و طرفدار سازش را سقوط داد. بهترین بود کار را بعد از امضا قرارداد صلح کامپ دیوید به آزمایش می گذارید. اما واقع این است که بگین طرفدار اسرائیل بزرگ بود و به همان علت نسبت به فلسطینی ها از خود بزرگ منشی نشان نداد البته معلوم نیست اگر بگین نیز چنان مسایلی را مطرح می کرد نتیجه می گرفت. اما بهرحال خود آزمایشی بود و در عین حال از بار انتقادها علیه اسرائیل می کاست.

س: شما در کپنهاک بااریک شارون نیز ملاقات کردید. ممکن است قدری هم درباره اوصحیت کنید؟

ج: او به راستی دوست داشتنی و شایسته احترام است. مردم دانمارک نیز قدر حرمتش را می دانند و اراده و پشتکاری را می ستایند. ژنرال شارون در عین حال بخود بسیار متکی است. عبارتی از جمله: ما خود می دانیم چه باید بکنیم، چه تدابیری بکار ببریم، چگونه با مسایل و مشکلات منطقه دست و پنجه نرم کنیم، دنیا در موضوع انتبه به اهمیت و ارزش مادرخاور میانه پی برد و در پایان گفتارش اضافه کرد کشورهای اروپای غربی که مثل



مابا پیچیدگی های منطقه آشنایی ندارند و بهتر است برایمان تعیین راه و روش نکنند، اما از اینکه بکرات سازمان پی. ال. او. را گروه های خرابکار و تروریست نامید آزرده شدم، شاید بگویند مگر واقعیت غیر از این است؟ البته حق باشماست و واقعیت هم غیر از این نیست. اما آیا فلسطینی هادرجهان اولین گروهی هستند که ترور رادرحدمت سیاست گرفته اند؟ از این گذشته بخش عمده ای از جهانیان پی. ال. او. را نماینده فلسطین می دانند. شما منکر این واقعیت هستید؟

س: به هنگامی که مناخم بگین تشکیل دولت داد آیا احساس تنزل در حکومت دموکراسی پارلمانی اسرائیل کردید؟
ج: بله. احساس کردم اما ایمان نداشتم که او به چنین عملی دست بزند، لکن آنچه وی با اراده و قدرت در مناطق اشغالی پیاده کرد به آسانی قابل برگشت نیست از این گذشته به اعتقاد من وی ارتش اسرائیل رادرحاورمیانہ مجری خواسته های امریکا کرد.

اگر چه از نزدیک با او و بر و نرفته ام اما تردید ندارم که وی رجلی صاحب شخصیت و در عین حال با قابلیت و پشتکار است.

س: شما با حمله اسرائیل به فلسطینی هادربلبنان مخالف بودید؟

ج: تردید ندارم که چریک ها در جنوب لبنان بطور شگفت انگیزی مسلح شده بودند و در عین حال اعتراف می کنم که بسیاری از مراکز کار خود رادرحکنار مناطق مسکونی و غیر نظامی و حتی بیمارستان ها و غیره دایر کرده بودند اما اسرائیل می بایست برای علمیات نظامی خود علیه آنها حدود مرزی قائل می شد.

برای چه به آن صورت بیروت را مورد حمله قرار دادید؟ می دانید بسیاری از جوانان جنگ ندیده عظمت ضرر به هایی که شما به بیروت وارد کردید را با حمله امریکابه هیروشیما مقایسه می کردند. با این کیفیات تعجب نکنید چگونه به شوروی ها امکان دادید علیه اسرائیل به تبلیغ بپردازند. از این گذشته با اینکه چریک های فلسطینی را با بهای گزافی از بیروت اخراج کردید چه نتیجه گرفتید؟ لبنان که هنوز بحال ده سال قبل برنگشته و کسی هم منکر این نیست که بعضی گرفتاری ها در جهان راه حل قطعی ندارد و لبنان نمونه یکی از آنها بشمار می آید.

س: به نظر شما اکنون اسرائیل باید چه روشی رادربلبنان بکار ببرد؟

ج: اکنون خروج اسرائیل از لبنان بدون یک نتیجه گیری متناسب بی معنی است اما بهرحال باید از حضور نظامی خود در آنجا تا حد ممکن



بحاهد.

س: نظر شما درباره حوادث صابرا و شتیلا و کمیسیون تحقیقاتی کهن چیست؟

ج: کمیسیون از نظر اخلاقی نوعی رهایی و آرامش و از نظر سیاسی تشریح واقعیت هابود اما بهرحال قبول کنید مسؤلیت وجدانی کشتاری که در اردوگاه های نامبرده بدست فالانتریزست ها انجام گرفت بردوش شما نیز سنگینی می کند. فالانترها به تلافی قتل بشیر جمایل دست به کشتار زدند اما جهان خارج آنها را فراموش کرد و کاسه کوزه هارابر سر شما شکست و بغلط پادرسرستان چنان نتیجه گیری کرد که این ثمره و محصول حمله شما به لبنان است.

س: آیا تاکنون این سؤال رازخود کرده اید که چرا مناخم بگین از کار کناره گیری گرفت؟

ج: همانطور که گفتم از نزدیک اورانمی شناختم امامی دانم که قوای جسمانی و روحی او تحلیل رفت و عدم نتیجه گیری از دخالت نظامی اسرائیل در لبنان به همراه سایر مسایل و مشکلاتی که دست و پنجه نرم کردن با آنها به راستی اراده و انرژی فوق العاده می خواهد که اورا شکست، و در موضوع لبنان با موانعی مواجه شد که دیگر راه حلی برای برطرف کردن آنها نداشت. بدیهی است اسرائیل در طول تاریخ خود مرتکب اشتباهاتی شده است. بعضی دوستانم به من می گویند، پروفیسور و ایزمن طرفدار آن بود که با واسطت ملک فیصل به نوعی سازش با اعراب برسد و شهادت می دهند که موشه شاروت نیز طرفدار نرمش و انعطاف بود. درحالی که بن گوریون کاملاً درجهبه مخالف قرار داشت. در این مورد من خود را شایسته اظهار نظر و دخالت نمی دانم. پیروزی درخشان اسرائیلی ها در جنگ استقلال و مهمتر از آن مهاجرت بزرگی که طی سال های اولیه بدانجا صورت گرفت و سپس با نتیجه گیری از جنگهای ۶۷ و ۷۳ شاید بتوان توصیه هایی را عنوان کرد اما مسایل بزرگتر و پیچیده تر از آن است که بتوان به این سادگی ها در اطراف آنها قضاوت کرد. بهرحال نمی دانم.

س: آیا جنگ بین ابرقدرت ها راتا سال ۲۰۰۰ میلادی پیش بینی می کنید؟



ج: نه. چنان بر خورودی که عمده زیادی نگران آنند بوقوع نخواهد پیوست و دلیل عمده آن تسلط دوا بر قدرت به اسلحه های وحشتناک هست ای است. بنا بر این صلح مسلح یا بهتر بگویم صلح سرد همچنان ادامه خواهد داشت معهذ این به آن معنا نیست که من غیر مستقیم در گوشه و کنار جهان اسلحه هارازمایش نکنند و به حمایت از این و آن ادامه ندهند ولی محققاً رودروی یکدیگر قرار نخواهند گرفت اما بهرحال باز هم کماکان و به تواتر دوره های هیجان انگیز و زمان های آرامش رادر پیش خواهیم داشت.

س: و در مورد اسرائیل و اعراب؟

ج: اسرائیل در شرایط موجود ناچار از حفظ قوای مسلح نظامی و حتی بسط و توسعه آن است و بدون تردید ارتش تنها ضامن بقا و حفظ استقلال شماست معهذ این رابدانید که اعراب و در رأس آنها سوریه وجود یک اسرائیل بزرگ و قوی رادرمناطق به هیچ وجه من الوجود قابل تحمل نمی دانند.

س: اسرائیلی ها و یهودیان جهان بوجود شما افتخار می کنند. ممکن است بفرمایید آیا شما خیال مهاجرت به اسرائیل راندارید؟

ج: از این همه عواطف و احساسات تشکر می کنم و معتقدم مهاجرت من در این سن و سال دیگر بی معنی است اما جوان هایی که به راستی احساس همبستگی با یهودیت و اسرائیل می کنند بی جهت در گالوت بسر می برند اما در عین حال آن عمده از یهودیان جهان را که در غم و شادی شما شرکت نمی نمایند و باری از دوستان برنی دارند رازشت می دانم.

س: آیا پیام دیگری برای مردم اسرائیل دارید؟

ج: مطمئن باشید به عقیده خودم هر چه گفتم به صلاح ملت اسرائیل است و در پایان ضمن آرزوی صلح و سلامت و همزیستی مسالمت آمیز برای همه مردم خاورمیانہ امیدوارم بر مشکلاتی که بخصوص ظرف چندماه اخیر با آنها مواجه شده اید توفیق یابید.

شد و من وقتی یکبار باچنان صحنه ای مواجه شدم ازجا برخاستم و با صدای بلند فریاد زدم، خجالت بکشید فضولی موقوف. و دیگر تاپایان آن سناس شعار ضد یهودی شنیده نشد.

س: به سال ۱۹۴۰ که درکنار ژنرال دوگل به نفع فرانسه آزاد همکاری داشتید آیا یهودی بودن شما موجب ناهم آهنگی در گروه نشد؟

ج: عده چشم گیر نبود. معهذا به منظور جلوگیری از هرگونه عکس العمل من پست سخنگویی برنامه های رادیویی فرانسه آزاد را پذیرفتم لکن موریس شومان که اصل و نسب یهودی داشت اما بهرحال مسیحی کاتولیک بشمار می آید پست سرپرستی فرستنده رادیویی را بعهده گرفت و الحق درانجام وظایف خود شایستگی به خرج داد و بارها مورد تمجید ژنرال قرار گرفت.

س: آیا در آن زمان چیزی از فلسطین و مهاجرت یهودیان به آن سرزمین نیز می دانستید؟

ج: نه چندان. زیرا تمام توجه ما معطوف به اشغال فرانسه از طرف آلمان ها بود. معهذا بخاطر دارم که یک بار با الکساندر کوهرای مویخ بزرگ روسی یهودی در اطراف مساله فلسطین به گفتگو نشستیم. او بر این ازمسافرت به مصر و سپس فلسطین تعریف بسیار کرد و در پایان به او گفتم تاسیس یک دولت یهودی در قلب دنیای عرب کاری بس دشوار و خطرناک است و یقیناً در صورت واقعیت پذیرفتن چنان خوابی خاورمیانه برای مدتها و زمان های نامحدود گرفتار جنگ ها و خونریزی های پی در پی و در دناک خواهد شد. و اگر چه در کتاب خودم از تاسیس دولت یهودی با احترام تمام یاد کرده ام اما در نظر خود باقی هستم. و از خاطرات جالب روز جمله اعراب به اسرائیل اینکه سردبیر روزنامه فیگارو ضمن سرمقاله خود نوشته بود ارتش های عرب ظرف ۴۸ ساعت تارومار خواهند شد و وقتی این پیش بینی ظرف ۴۸ ساعت بوقوع نیوست متاثر بود. اما بهرحال دفاع شایسته اسرائیلی ها با توجه به اینکه گفته می شد یهودیان مردان جنگی نیستند موجبات تحسین بسیاری از جهاننیان را فراهم آورد و من نیز از آن به بعد احساس افتخار بیشتری می کردم چون بخوبی می دیدم در مقابل چه نیروهایی بافداکاری و از خود گذشتگی جنگیدند زیرا علاوه بر قوای مصر و سوریه نیروهای لژیون عرب زیر فرماندهی ژنرال گلاب پاشا را که بیشتر دستور از لندن می گرفت تا عمان دست کم نمی گرفتیم.

س: بهرحال آیا پس از گذشت ۳۶ سال هنوز فکر می کنید که اساساً تشکیل دولت اسرائیل یک کار اشتباه آمیز بود؟ و اگر در شرایط

امروز اقدام به تاسیس چنین دولتی می شد نظر شما چه بود؟

ج: این بستگی دارد برای چه کسانی. اگر مقصود یهودیان هستند که بهر صورت باز بنفع آنها بود اما برای اعراب، پاسخ شامشیت است. می دانید اعلام استقلال اسرائیل و سپس جنگ و کشتار و خونریزی های بسیار موجب پراکندگی و در بدی تعدادی از اعراب شده است. از طرفی فراموش نکنید که سایر یهودیان پراکنده در کشورهای مختلف جهان نیز همگی به رفاه و آسایش نرسیدند. قطعاً خود شما بهتر می دانید چه تعداد از یهودیان در خارج از اسرائیل تاوان سنگین آن اعلام استقلال را پرداختند. معهذا اکنون باید قبول کرد که اسرائیل یک پدیده و واقعیت انکار ناپذیر است و آنچه در سال ۱۹۴۸ اتفاق افتاد باید بصورت حادثه شگفت انگیز و مهجزه آسا و یا بعبارت ساده تر حکایتی بدیع و زیبار قلب تاریخ پراز فراتر و نشیب قوم یهود باصفحات زرین جلوه کند. بنابراین چرا اشتباه آمیز؟ بهرحال فکرمی کنم تا حد امکان جواب شما ر داده باشم. معهذا فراموش نکنید که سرنوشت انسانها در مرحله اول بدست خالق است نه خود آنها.

س: آیا استقلال اسرائیل برای شخص شما نیز در سرهای ایجاد کرد؟

ج: نه، ابتدا زیر اهرمیشه به دوستان و خوانندگان در نشریات فرانسه و جهان یادآوری کرده ام که نوشته هایم از دریچه چشم یک فرانسوی است نه یهودی. من باب مثال باید یادآوری کنم که در جنگ ژوئن ۱۹۶۷ اسرائیل را محق دانستم اما در نبرد یوم کیپور حق را به مصریان دادم با توضیح آنکه دو سال قبل از زد و خورد های ۱۹۷۳ به اسرائیل آمدم و به رهبران شما یادآور شدم اگر سادات یک پیروزی نظامی بدست نیاورد سقوط خواهد کرد. بنابراین فقط یک فتح نظامی وار کوچک موجب خواهد شد تا باشما روی میز مذاکره بنشینند و این مطالب را بخصوص هنگام دریافت درجه دکتری افتخاری از دانشگاه عبری اورشلیم اظهار داشتیم.

س: آیا ممکن است از سفراول خودتان به اسرائیل وملاقات با بن گوریون نیز اطلاعاتی در اختیار خوانندگان ماقرار دهید؟

ج: قبل از حمله نظامی اسرائیل وانگلیس وفرانسه به مصر در سال ۱۹۵۶ به دعوت دولت شمایه اسرائیل آمدم و از سرتاسر کشور شام دیدن کردم. سپس به کیبوتص سده بوکر بیدار وملاقات با دیوید بن گوریون شتافتم. مذاکرات مادر مرحله اول قیام مردم الجزائر علیه دولت فرانسه بود. بن گوریون گفت، چنان پیش بینی می کنم که فرانسه جز خروج از الجزیره چاره

دیگری ندارد و بطوریکه بخاطر دارید آن زمان دوران شکوفایی روابط اسرائیل وفرانسه بود. هنگامی که برای اولین بار او را در دفترش ملاقات کردم او را در محاصره انبوهی از کتب و نشریات گوناگون یافتیم. بخاطر دارم که روی میز کار او کتاب هایی از مارکس واشپینوزابه زبان های مختلف خودنمایی می کرد. او بدون تردید سیاستمدار، فیلسوف و در عین حال سرداری بزرگ وشجاع بود وشایستگی لقب پدر ملت اسرائیل که به او داده اید را داشت و در طول چند ساعتی که مهمان او بودم از قدرت کلام وسعت اطلاعات او فرقت در شگفت شدم.

س: در کتاب خاطرات خود در مورد حمله مشترک اسرائیل وفرانسه وانگلیس به سال ۱۹۵۶ به مصر لقب توطئه ماکیاویستی داده اید. آیا تصویری کنید در این مورد مبالغه کرده اید؟

ج: قطعاً توجه کرده اید که بین سه دولت اسرائیل راتحادی محق دانسته ام چون می دانم که حملات مکرر ودانسی چریکها وفدائیان مصری از ناحیه غزه خواب و آرام رازساکنان مرزی جنوب اسرائیل برده بود.

ممکن است اسرائیل به تنهایی آن حمله را انجام داده باشد اما باید اعتراف کنیم که فرانسه وانگلیس در آن جنگ اسرائیل را تشویق وتحریریک به حمله کردند تا بظاهر در نظر افکار عمومی مردم جهان دخالت خود را در هجوم به مصر به قصد برانداختن عبدالناصر موجه جلوه دهند.

س: نوشته اید آن جنگ رانیز قبلاً پیش گوئی کرده بودید؟

ج: بله. قبل از ملی شدن ترعه سوئز ضمن بیاناتی در دانشگاه اورشلیم با حضور پروفیسور آکسین گفتم بزودی شاهد جنگ وخونریزی مجددی در منطقه خواهیم بود که با مخالفت ابر قدرت های امریکا وشوروی مواجه خواهد شد، بهمان علت ظرف چند روز از آن جلوگیری خواهند کرد. پروفیسور آکسین پرسید، ظرف چند روز؟ گفتم حداکثر ۵ روز. لندن از عبدالناصر دل پر خونی داشت وفرانسه نیز تصویری کرد اگر ناصر سقوط کند دیگر نخواهد توانست استقلال طلیان الجزایر را کمک کند اما این حمله برای دولت کوچکی مثل شما با در نظر گرفتن مخالفت دو ابر قدرت کاری بس عبث و خطرناک بود.

س: ژنرال دوگل پس از آن جنگ هنوز از روابط بسیار حسنه ودوستانه فرانسه واسرائیل سخن می گفت، آیا او به راستی در اظهاراتش صادق بود؟ و آیا تحریم ارسال اسلحه به اسرائیل از نقطه نظر اخلاقی مردود نبود؟

ج: اساساً تصویب صادرات اسلحه در ارتباط

چهارشنبه بیستم شهریور ۱۹۸۴ برابر با بیستم ماه تموز، مطابق با
 چهارمین سالگرد فوت موسی کرمانیان میباشد.
 بدین مناسبت وظیفه خود میدانیم که از صمیم قلب از طایفه دوستان و آشنایان آن
 مرحوم و طایفه دستگامها و آشنایان، بالاخص سازمان با نوازش بودا و ایراد
 بنظر فحاشیتها و خیرخواهانه از در برادر گذشت نام در معبر آورده از نشر
 نمایم.

این سازمان با تأسیس پذیر فریبگی موسی کرمانیان در این مناسبتهاست در اثر
 حالت خستگی نا پذیر حاضر خود موفقت در نهایت وجه اعتبار گردید که از صاحب گشت
 مخارج تحصیل در رشته بصورت قرضه بدون بهره تا من گشته و بعد از آن من
 تا با موفقتها و آشنایان و آشنایان و آشنایان و آشنایان و آشنایان و آشنایان
 موفقت روز افزون این سازمان را از در دلیم.

خلد کرمانیان

ازهدررفتن ها تا همبستگی ها



روزهدررفتن

همان

«مزاحم نباشم؟»

«نه بابابنشین. دانشکده چه خبر. انشاء الله بزودی لیسانس رامی گیری».

«آقا، من عرضی داشتم، نمی دانم فرصت دارید و حالاً موقعیت مناسبی است یا نه؟»

قلم رازمبین می گذارم. صندلیم رابه عقب می کشم. توی صندلی فرومی روم ومی گویم:

«بگوکه منتهم خسته ام ودنبال بهانه ای بودم که یک کمی کار راتعطیل کنم».

«آقا من ازحضورتان اجازه استعفای خواهم».

«فکرمی کنم آخرین بارکه درحقوق ها تجدید نظرمی کردیم، توواضافه حقوقت راضی بودی؟»

«موضوع پول نیست. نمی دانم چطور حضورتان توضیح بدهم. من تمام روزبیکار مشغولم وعصرها به دانشکده می روم وازآنجایی که وجدان کاردارم، اگرکارم نیمه تمام مانده باشد، ولونصفه شب هم باشد به اداره می آیم تا کارم راتمام کنم. وقتی بخانه می رسم چیزی می خورم ومی نشینم به درس خواندن».

درس که تمام شد به رختخواب می روم وتازه بیادم می آیدکه دراین گیرودار همه چیز راجسیده ام وعبادت رافراموش کرده ام. عبادت برای من نمازخواندن نیست. عبادت خلوت کردن است بانخدای خود ولمس لایتنای، که وقتی خسته باشی ایجاد چنین رابطه ای میسر نیست».

باتردید بمن نگاه می کند. گویی ازخود می پرسد آیااین بشری که روبروی من نشسته به چیزی جز عدد ورقم فکر می کند؟ ومن مانده ام

چهارشاخ که این دیگرچه نوع استعفایی است. یکی می آیدکه خانه ام دوراست. دیگری می آید که حقوقم کم است، سومی خودش راباد دیگری

مقایسه می کند وگله مند که حقش پایمال شده است وهکذا. اگرکارمند مورد نظرانخواهی ازدست بدهی برای هریک ازاین عذرها از پیش پاسخی

پاراه حلی داری. امااین یکی پدیده ای بودنو. وگفته مهرداد آنقدرصادقانه که یکمرتبه رابطه کارمند باکارفرما رنگ می بازد.

احمد، همکارقدیمی ودوست همیشگی ام، ازتهران آمده است. باسایر دوستان وهمکاران که یکی یکی به این گوشه دنیا کوچ کرده اند، گردش حلقه زده ایم. سؤال پشت سؤال. ازاداره، بچه های قدیمی. احمد پاسخ می دهد ودیدن وشنیدن عکس العمل های گوناگون بچه هاواقعاً جالب است:

«جدی میگی؟ پس حمیدبرای خودش آدمی شده!»

«بارک الله، مرتضی وناصرشرکت واردات وصادرات بازکردند؟ نه بابا!»

«پرو یز لندنه؟ چه غلطی میکنه؟»

میان همه افرادی که درباره آنها سؤال می شود، ناگهان مهرداد بیادمن می افتد. می روم احوالش رابپرسم که سیل پرسش های سایر دوستان نمی گذارد. تافرصتی دست دهد ونوبت به من برسد، باد مهرداد مراباخود می برد.

حدود شش سال قبل، دیروقت دردفترکارم نشسته بودم وبکارهای عقب افتاده ام رسیدگی می کردم. دراطاق من به راهروی بازمی شده که انتهای آن اطاق کار دانشجویان کارآموز ماقرارداشت. نزدیک ساعت ده شب بود که دراطاق روبرویی بازشد ومهرداد، درحالی که کیف دانشکده اش رابدمت داشت وخیلی خسته به نظرمی رسید، واردراهروشد. اندامی کوتاه وباریک داشت وسیه چرده بود. وقتی راه می رفت، شانه هایش رابالا می گرفت سرش راپایین می انداخت. بسیارخجول بود وکم حرف. سال سوم دانشکده بود ودرشرکت ما کارآموزی می کرد.

«سلام آقا - با اجازه مرخص بشویم».

«بیاتوبیینم. چه عجب دیروقت شب کار می کنی».

«یک کاری دست ماست، باید تاآخر هفته تمام می شد. ازدانشکده

آمدم تمامش کنم».

وارددفترمن می شود. صندلی تعارف می کنم. می نشیند. خسته بنظرمی رسد.

به گفتگویی نشینم. از جگونگی عبادت روزمره بناگاه به ژرفای معقولات پرتاب می شوم و مهرداد در شگفت که «ای آقا، پس شما در این باب واردید و مانمی دانستیم».

وازمین توضیح که به اعتقاد من دین وسیله است نه هدف، راه است نه مقصد و قاعده ای است برای دوام و قوام زندگی انسان خاکی. حال تو از راه مکه می روی و من از راه بیت المقدس، بقول حافظ همه جا خانه عشقت، چه مسجد چه کنشت. می دانم که مهرداد پدر و مادر پیر و دوخواهر جوانش را خرج می دهد. می گویم:

«اگر استغفابدهی، خرج اینها را کی می دهی؟» می گوید:

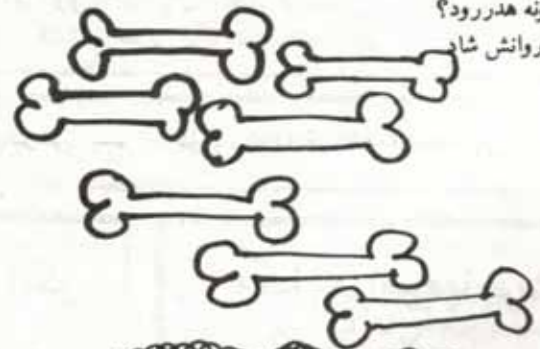
«خدا کریم است. تا اینجا زنده مانده ایم، بقیه زندگی مان هم بطریقی خواهد گذشت».

«حرف من دقیقاً همین جامصدق پیدا می کند. توداری هدف را فدای وسیله می کنی. خدایم خواهد که تو زندگی کنی و گرنه خلقت نمی کرد».

و پاسخ مهرداد مراقبات نمی کند که سهل است، بسیار ناامیدکننده است. و شب از نیمه می گذرد و ما هنوز از اوستا و تورات و قرآن و مولانا و حافظ و نیما می گوئیم...

صبح روز بعد مهرداد جلومیز من ایستاده و استغفانامه اش جلوی من است. می پرسم: «تصمیمت قطعی است؟» جواب مثبت می دهد. قبول می کنم. از کیف دستی اش کتابی درمی آورد - فرهنگ واژه های فارسی. پشت جلد آن نوشته است: تقدیم به شما که ادب و فرهنگ سرزمینستان را دوست دارید و باپوزش از اینک که درداوری شما خطا کرده بودم...

از احمد می پرسم: «از مهرداد چه خبر. پاسخ می دهد: «شهید شد!» فرهنگ اهدائی مهرداد جلوی من است. باز می کنم و به معنای واژه مهرداد نگاه می کنم. مهر به معنای عذوفت و دوستی و داد به معنای عدالت آمده است. کدام عدالت الهی چنین مقدر می کند که اینهمه مهربانی و صمیمیت و همزمان با آن استعداد، نیرو و پشتکاری که پشتوانه مردم ماست، اینگونه هدر رود؟



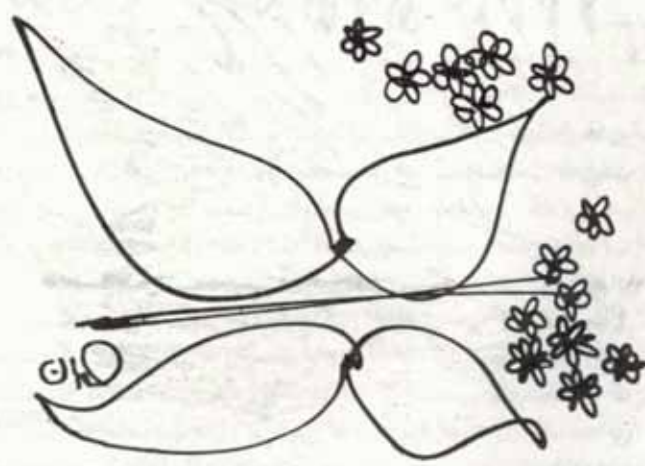
روانش شاد

روزگ

دوستی رو برویم نشده است و برابرم درددل می کند:

«بعد از یک شب سراسر بیخوابی، صبح زود از خانه می زدم بیرون. پشت رل می نشینم، سوئیچ می زدم و براه می اقم. دیشب از آن شهبایی بود که تا صبح با همه بدبختی هایم پارتی گرفته بودیم. برای حسن ختام برنامه تنها جای عزرائیل خانی بود که این نیمچه جان را هم از من بگیرد و آسوده ام کند. کنار خیابان اتومبیل را نگاه میدارم، سرم را روی رل می گذارم و می گریم».

خود را به کنار دریای رسانم. روی ماسه ها می نشینم و زانوهایم را به بغل می گیرم و به حرکت شورابه دریا بروی ماسه های نرم ساحل چشم می دویم. انتهای اقیانوس را نگاه می کنم. امواج بلند پرواز را که می دوند تا از مغز به زمین ساحل بخورند و برگردند سر جای اولشان. درست داستان زندگی من. دریا هم که تا امروز بهترین مسکن اعصاب پریشان من بود، حالا پیامی تلخ دارد. از بییهودگی نفس هستی. بعد از چندین سال سرگردانی در این غربت، هنوز راه خودم را پیدا نکرده ام. درست مثل توله سگ هایی که بدنبال دمشان، بدور خود می چرخند. هر کس هم از راه می رسد، لگدی نثار پهلوی من می کند و من دیوانه تر، دم خود را تندتر از پیش دنبال می کنم - و در این دایره، بیش از پیش سرگردان می شوم. گویی رحم از میان ما ریخت بر بسته است.



روزخنده

می گویند آقای بگین در دوران نخست وزیریش بدیدار ریگان می رود. در دفتر کار ریگان در کاخ سفید، روی میز ریاست جمهون چشمش بدوتا تلفن یک دکمه ای می خورد. یکی قرمز، یکی طلایی. می پرسد:

«جناب رئیس جمهون، خاصیت این تلفن های یک دکمه ای چه؟»

ریگان جواب می دهد.

«والله بعضی مواقع در کار سیاست، مشکلاتی پیش می آید که من به تنهایی قادر به حل اونها نیستم و به مشورت احتیاجه. من هروقت اراده کنم، با فشار دادن تکمه این تلفن قرمز، تمام اعضای مجلسین امریکا را به دفترم احضار می کنم. حالا، اگر آقایون موفق به کمک فکری بمن نشوند، از تلفن طلایی، رأساً با خداوند متعال تماس می گیرم. آقا مناخیم بگین نمیدونی، دقیقه ای ده دلار پول تلفن میشه، ولی چه مشورت عالی. ردخورنداره. هرچی بگه خودش».

این موضوع می گذرد و بعد از مدتی، بر مبنای دعوت متقابل، ریگان از اسرائیل دیدن می کند و در دفتر کار بگین به دوتا تلفن عین تلفن های خودش برمیخوره. می پرسد:

«داستان تلفن های شما چه؟»

بگین جواب می دهد:

«والله، بنده هم عین وضع شمارا دارم. با فشار تکمه تلفن قرمز، تمام اعضای کینست به دفتر کار من می آیند و به مشاوره می پردازیم. با تلفن طلایی با خداوند تماس می گیرم. دقیقه ده سنت پول تلفن میشه و مشورتش هم بی نظیره».

ریگان با تعجب می پرسد:

«چطور به شهادت سنت چارج میشه و بماده دلار؟»

بگین جواب می ده:

«آخه اینجا لوکاله!»

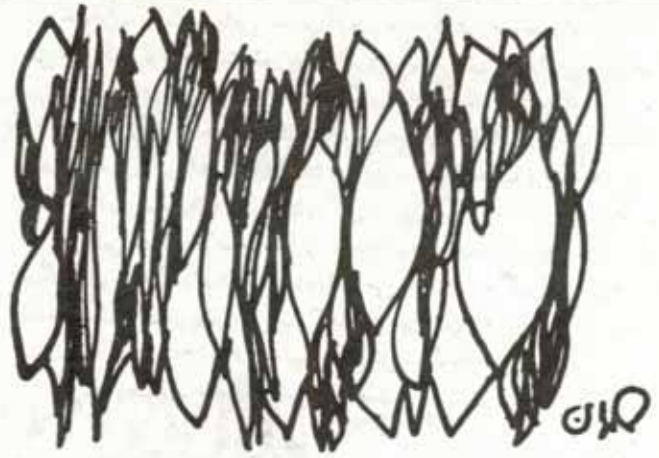
هایی زا که به سختی بدست آمده رها می کنند و به جستجوی مادر بچه.
چقدر زیبا.

مردم گروه گروه می آیند و چون جایی برای نشستن نیست می روند.
من از خودم شرم می کنم چون تا این لحظه در مورد ساختن مرکزی برای
یهودیان ایرانی تردید داشتم، چرا که باور نمی کردم مردم ما تا این حد بدم
وابسته و به فرهنگ ملی شان دلبسته باشند.

بچه های گروه تیکوا و مجری برنامه بشدت در تکاپو هستند. گویی
خودشان هم انتظار این همه استقبال را ندارند. مجری برنامه، به دلیل کمبود
جا، از مردم می خواهد که وسط و کنار راهرو وحشی روی سن هم
اگرخواستند بنشینند و جمعیت آرام آرام مستقر می شود. همزمان با همه این
جنب و جوشها، فرید فرجاد می نوازند و شهلا سرشار می خوانند. کارشان —
صرف نظر از ضعف فنی دستگاه های صوتی — به راستی قشنگ است. بدون
چشم داشت، و فقط بخاطر جوانها، می خوانند و می نوازند. و گاه بگانه قطعه
شعری از میان سالان دست بپنم — و این جای تاسف است که جوانها میان
آنها کمند. حیف است که صحنه گردانها هم خود بچه هانستند و این
را خود مجری و گرداننده برنامه هم می گوید — ولی چه باک که این آغاز
راه است و اینان راه گشا. دست مریزاد.

مراپروی صحنه دعوت می کنند. تماشا این جمع مشتاق و صمیمی
از آن بالا ابهتی غریب دارد — و چه جمعیتی. گفتند حدود هزار
و پانصد نفر. البته همانطور که گفتیم من خودم شاهد بودم که تعداد خیلی
زیادی هم به دلیل نبودن جارفتند. اگر حمل بر نظاهر نشود، من در کار سخن
گفتن در مقابل جمع سابقه و تجربه دارم — ولی این بار — اینهمه نگاه
مشتاق و آدم هایی که پیدا بود هر کدامشان کم و بیش بقول عوام اینکاره اند
و شناختی از ادب و هنر دارند و هیبت جمعیت مرا می گیرد ولی وقتی شروع
بخواندن شعر «صف انبوه طولانی» می کنم، می بینم که برآستی اینها
همان مردمی هستند که من در شعر خودایشان راتوصیف کرده ام. مردمی که
مشخصه قومی شان بهانه باهم بودن را در طی قرون و اعصار یکدک کشیده
اند.

به امید روزی که برای اینگونه گردهمایی ها و فعالیت های بیشتر
و کامل تر اجتماعی مکانی از آن خود داشته باشیم.



روز همبستگی ها

به شب شعر جوانان گروه تیکوا که هراز چندگاه در کنیسیای معاریو
در ولی تشکیل می شود می روم. ساعت شروع هشت و نیم است و سر وقت
می رسم. ماشاالله چه جمعیتی. باور نمی شود. به ساعت نگاه می کنم
که میادا ساعت راعوضی دیده باشم. نه خیر درست است. سالن لب به لب
پر. راهروها مملو جمعیت و همه آرام و صمیمی. اگر بخواهی راهی از میان
جمعیت باز کنی و به جلو بروی هیچ کس اعتراضی نمی کند. بالمعجب!
در این گونه مهمانی ها، احتکار جا و راه بندان اگر نباشد، مهمانی وطنی
نیست. نه فقط کسی کیف یا کلاهش را روی صندلی بغلی نگذاشته که
ادعا کند که جا صاحب دارد، می بینی که مردم دوتا دوتا روی یک صندلی
نشسته اند. انتهای سالن، جلو در خروجی، ایستاده ام. یکی از جوانان عضو
گروه تعدادی صندلی از بیرون بداخل می آورد. یکی بمن می رسد. می
نشینم و چند نفر دیگر نیز تا اینکه جلو در خروجی با جمعیت بسته می شود.
از پشت سر کسی به پشتم می زند. برمی گردم نگاه می کنم، پسر بچه
ای است پنج شش ساله. چیزی می گوید، درست نمی فهمم. گوشم
رانزدیک می برم. بلند می گوید. می خواهم بروم پیش مامانم — آخه من
گم شده ام. یک مرتبه همراه بامن ده نفر از جای خود می پرند. صندلی

تلفن ۴۱۱۶-۳۴۳

تلاوت تور، تهلیم و می شمارا، قرائت تفیلا و هشکاوا در منازل

وکیل در امور مهاجرت

Aron Hasson

وکیل اسبق امور مهاجرتی

در جوئیس فمیلی سرویس

دفتر در وست وود

10850 Wilshire Blvd., Suite 800
Los Angeles, CA 90024

(213) 475-4779

شرکت ساختمانی ابکو

به مدیریت مهندس فریدون بهفرین

آمادگی خود را برای مشارکت در زمین شما

و اجرای پروژه های ساختمانی شما

اعلام می دارد

ABCO Builders Corp.
8500 Wilshire Blvd., No. 923
Beverly Hills, CA 90211

Tel: (213) 659-7070

مؤسسه رسمی دارالترجمه

فنی شایان

شماره ثبت ۷۲۴

مترجم رسمی وزارت دادگستری ایران
مترجم رسمی دادگاههای لوس آنجلس
کلیه امور ترجمه و مکاتبات تجارتنی شما را
در اسرع وقت انجام می دهد

16000 Ventura Blvd.
5th Floor
Encino, CA 91436
(213) 784-7236
(213) 784-7321
Res. 826-6981

نقل از: دورس نظریان (حسابدان)

Alder, Green & Hassan, CPA
Westwood 208-1200

نقش شرکت

حسابداری امروزی

بسیاری تاثیر این تغییرات بر روی مؤسسه شما به هنگام طرح ریزی و بودجه گذاری خواهد بود. بطور مثال خیلی از افراد و مؤسسات از وجود

Investment Tax Credit

که از مالیات آنان دلار به دلار کم خواهد کرد، آگاهی ندارند ولی شرکت حسابداری مشتری های خود را از این موضوع آگاه نگاه خواهد داشت و به موقع اقدام به استفاده از این اعتبارها خواهد نمود.

در زمینه امور شخصی هم طرح ریزی امور مالی خانوادگی و مالیاتی و تدارک و اجرای بودجه ماترک Estate Planning را می توانید با کمک شرکت حسابداری خود پیاده کنید.

تنها دانش مالی و مالیاتی یک شرکت حسابداری نیست که آنها را با ارزش می سازد، بلکه قوه و قدرت تشخیص آنان نیز بسیار مهم است. شاید که بتوان اسم یک شرکت حسابداری را روانپزشک شما و مؤسسه شما گذاشت. بنیادی که به هر موقع، حتی مواقعی که نیاز دارید مشکل خود را با فردی خارج از کادر مؤسسه خود در میان بگذارید کمک شما خواهد بود، چون این بنیاد مجموعه ای است از تجربیات بسیار وسیع که در عرض سالیان دراز بدست آمده است.

یک شرکت حسابداری است. همانطور که مؤسسات توسعه می یابند، نیاز مدیریت بالا در هنگام تصمیم گیری به یک سیستم حسابداری جوابگو و مکفی بیشتر می شود و تهیه گزارشات مالی کمکی خواهد بود برای شناخت جهت تغییر و تحول هزینه ها و درآمد.

به هنگام رشد و توسعه و یادغام با شرکت های دیگر، به خدمات حسابداری بیش از هر زمان دیگری احتیاج است. این امور شامل خدماتی مثل تجزیه و تحلیل اقتصادی و مالی شرکت های در حال پیوستن و یا تجزیه و تحلیل بازار کاری و اقتصادی مؤسسات رقیب شماست. به علاوه این شرکت خواهد توانست مؤسسه شمارا در جلسه های بانکی و قانونی نمایندگی و یا همراهی کند.

امور مالیاتی

آخرین تغییر مهم در قانون های مالیاتی دولت امریکا قانون TEFRA بوده است که در سال ۱۹۸۲ به مرحله اجرا درآمد. دپارتمان مالیاتی یک شرکت حسابداری نه تنها از تغییرات این قوانین و قوانین دیگر در سطح دولتی و ایالتی و ناحیه ای با اطلاع می باشد، بلکه قادر به پیش

نقش یک شرکت حسابداری امروزی ایفای یک وسیله فایده بخش است. این شرکت باید کمکی باشد تا مؤسسه شما بتواند با قانون های دولتی، قانون های پیچیده مالیات، پیشرفت های سریع تکنولوژی، تغییرات اقتصادی، سیل کاغذ بازی و گرد هم آوری اطلاعات همگام قدم بردارد.

از خدمات بخصوص یک شرکت حسابداری یکی رسیدگی و ممیزی امور مالی Audit و دیگری سرویس مشاوره بازرگانی Business & Management Advisory Services است. بسیاری از مؤسسات امروزه به اتکاء به ممیزی مالی توسط یک شرکت حسابداری شناخته شده، توانسته می توانند از بانکها و مراکز دیگر وام دهند، وام دریافت کنند. در بسیاری از اوقات دیگر هم که صاحبان این مؤسسات به تنهایی قادر به تصمیم گیری نیستند به تحریک حسابدار باتجربه و دنیا دیده به کمک آنان آمده و آنها را در گرفتن تصمیم خود یاری نموده است.

امور مالی

تغییر و تحول در هزینه حسابداری و سیستم بودجه گذاری مؤسسه شما یکی از خدمات مهم

حسابداران قسم خورده و با تجربه ما،

کمکی خواهند بود برای پیشرفت شما.

خدمات ما شامل:

حسابداری، مشاوره بازرگانی، ممیزی و خدمات مالیاتی مؤسساتی و فردی می باشد.

**Alder,
Green
& Hasson**

Certified Public Accountants

Lou J. Hasson, C.P.A.
David D. Green, C.P.A.
Sandra A. Lash, C.P.A.
Leon C. Jankelowitz, C.P.A.

10920 Wilshire Boulevard
Suite 1200
Los Angeles
California 90024
(213) 208-1200



نوشته گیتی بروخیم (سیمانظوب)

«داد وستد محبت»

مادر حکم یک بت رایدمی کرد و ناگهان روزی چشم باز می کردند و متوجه می شدند که رقیبی تازه نفس از راه رسیده و بدون اینکه در راه این بت پالین عزیز دردانه کمترین زحمتی کشیده باشد صاحب اختیار او شده است. مادنا گهان احساس می کنند که تنهانقطه مثبت، تنها دلخوشی زندگیش را باید روی سینی طلاسی قرار دهد و پیشکش عروسی کند. اینجا است که تخم کینه در دل مادر شوهر ستم کشیده بارور می شود و باز بقیه جریان بر همه ماروشن است.

اگر عمق این مسایل را بیشتر مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم متوجه می شویم مادر شوهرهای خوب اکثراً زنانی هستند که شوهران با محبت، متصف، مودب و وفادار داشته اند. وقتی مردی برای همسرش دوستی خوب، معشوقی با محبت و شوهری دلسوز باشد، تاج سر آن زن می شود. زن احساس کمبود خلا در زندگیش نکرده، پرسش را بت نمی کند و به این امید نمی نشیند که تمام رؤیاهای تحقق ناپافته اش بدست این پسر جامه عمل بپوشد. این زن موجودی است خوش بسین و بدون کمبود و عقده، خودش بقدر کافی از عشق و محبت شوهر ارضاء شده و بس نظرش کاملاً طبیعی می رسد که پسرش هم

و صد البته تعداد عروس بد و مادر شوهر بد هم کم نیست. پس فقط مهر خوبی راه پیشانی یک گروه زدن و گروه دیگر را بدون استثناء خطا کار و بد قلمداد کردن کمال بی انصافی است.

باید اعتراف کرد که در بسیاری از خانواده های ایرانی، مادرها آنقدر از شرارت و خبیث طینت مادر شوهرها داد سخن می دهند که به تدریج مادر شوهر در چشم دختر حالت یک دیو یا هیولا یا بهتر بگویم جادوگر بد طینت را پیدا می کند. ذهن دخترها برضد تمامی مادر شوهرها شستوشمی شود و آنها دچار این پیش داوری می شوند که مادر شوهر خوب وجود خارجی ندارد و آنها موجوداتی هستند که برای عذاب و شکنجه روح عروس حاضر به هر کاری می باشند. طبیعی است دختری که سالیان متوالی تحت تاثیر چنین تلقین هایی بوده باشد از اولین برخورد نسبت به مادر شوهرش احساس کینه و عداوت کرده، هراظهار نظر و حرکت او را بطور منفی تعبیر می کند و بقیه جریان بر همه ماروشن است.

از طرف دیگر اگر مادر شوهرها را زیر ذره بین قرار دهیم پی می بریم که بسیاری از آنها آنقدر تحت ظلم و جور و زورگویی شوهر قرار داشته اند که عمری تمام عشق و علاقه خود را نثار پسر عزیز کرده شان کرده اند. این پسر در چشم

● در زمینه اختلاف میان عروس و مادر شوهر مقصر اصلی کیست؟ عروسها! مادر شوهرها!

بسیار در این روزهای دشوار، به نفع «عزیز مشترکمان» آتش بس اعلام کنیم.

«استغفرالله کو آن سعادت!...» نامه ای است که آقای موریس شهرام خواننده گرامی شوفار در پاسخ به مقاله خانم نینا استوار همکار گرامی ماتحت عنوان «پچک ظریف جوانی... عصای محکم پیری» نوشته اند. دومقاله رارو بروی هم قرار داده ام و هر دو را به دقت مطالعه می کنم و بعد آه از نهادم برمی آید که این جنگ عروس و مادر شوهر تا کی باید ادامه پیدا کند؟ البته نظر خانم استوار و جناب شهرام هر دو مدافعی دارد ولی شاید نظر منم بعنوان نظرسوم طرفدارانی داشته باشد، نظرنویسنده ای که سالیان دراز برای یکی از نشریات زنانه و وطنان قلم زده است و با دارد دلهای بی شمار عروس ها و مادر شوهرهایی که به دفتر آن نشریه مراجعه می کردند، آشنایی دارد.

«خانم استوار» فقط مادر شوهرها را مورد انتقاد قرار داده اند و بس و جناب شهرام هم در سرتاسر نامه خود به عروس ها حمله کرده اند. آقای شهرام، خانم استوار را متهم به بی انصافی کرده اند غافل از این که خودشان هم چوب تر و خشک را با هم سوزانده اند و در حق عروس ها بی انصافی کرده اند. اگر در اطراف این مسأله حساس بیشتر موشکافی کنیم پی می بریم که هم عروس خوب وجود دارد و هم مادر شوهر خوب

برای همسر خود شوهری بامحبت و از خود گذشته باشد. از طرفی چنین زنی برای عروسش مادرشوهری خواهد بود بامحبت و دوستی باتجربه.

سلسله مراتب به همین جا ختم نمی شود، عروس چنین مادرشوهری دخترش را برضد همه مادرشوهرها شستوشوی مغزی نمی دهد. دختری که در چنین خانواده ای رشد می کند حسنه بودن روابط عروس و مادرشوهر همانقدر برایش عادی و طبیعی است که عمیق بودن روابط مادر و دختر، و درست مثل مادرش برای مادرشوهر خود احترام قابل خواهد بود. از بعضی موارد استثنایی بایهتر بگویم از بعضی افراد که روح بیمار دارند اگر بگذریم در مورد بقیه انسان ها محبت موهبتی است دو جانبه، هر چقدر محبت کنی محبت می بینی، هر چقدر برای کسی احترام قابل شوی، خودت مورد احترام واقع می شوی و رابطه ای که بر اساس صحیح و بر پایه احترام و محبت متقابل نباشد هرگز دچار تزلزل و سستی نمی شود. بطوریکه ذکر شد شروع یک رابطه پایا و اساس آن در موفقیت یا شکست آن نقش عمده ای دارد.

در هر رابطه ای، چه روابط زن و شوهری، چه روابط بین مادر زن و داماد، مادرشوهر و عروس، پدرشوهر و عروس یا پدر زن و داماد... و غیره... اگر از ابتدا احترام متقابل برقرار باشد به احتمال بسیار زیاد رابطه سالمی خواهد بود و بتدریج محبت و فداکاری و اطمینان و اعتماد هم به آن افزوده شده، ریشه های آنرا قوی تر و مستحکم تر می سازد، اما اگر در ابتدا اشتباهاتی رخ بدهد یا هر کدام به دیگری بی احترامی یابی لطفی کند، اول گرفتاری خواهد بود. اگر هم این رابطه به حکم اجبار ادامه یابد علی رغم ظاهر عادی، پایه ای سست خواهد داشت. در هر کدام از روابط فوق زمانی که تخم نفاق بارور شد و ریشه دوانید، بریدن ریشه آن دشوار خواهد بود و پادرمیانی هیچ ریش سفیدی درمان علاج واقعی نخواهد بود. در کمال تاسف به عده ای به غلط اینطور تعلیم داده اند که «گر به راباید دم خجله کشت»، این تصور اشتباه باعث می شود در شروع رابطه های مختلف مرتکب زرنگی های غلطی بشوند که بعدها جبران آن ممکن نخواهد بود. به اعتقاد من وظیفه هر پدر و مادری است که هنگام ازدواج فرزندش، اعم از دختر یا پسر، به او تمام حجت کند که اگر کبیر شده و قصد شروع یک زندگی مشترک را دارد فقط و فقط خودش و همسرش مسئول هستند و بهتر است از ابتدا بکوشند تا حتی الامکان مرتکب اشتباهی نشوند و اگر شدند شخصاً در راه جبران آن اشتباه بکوشند و پای دیگران را بمیان نیاورند، چون دیگران با کلیه زیرومهای زندگی



آنها آشنایی ندارند و در نتیجه راهنماییشان صحیح و عملی نخواهد بود. تنها نتیجه این قبیل پادرمیانیها آشکار شدن اسرار زناشویی است.

برمی گردیم بر سر مسأله اصلی یعنی «جنگ دیرینه عروس و مادرشوهر». اگر موفق به بیان منظوم شده باشم، در زمینه اختلافات میان عروس و مادرشوهر، من شوهرها را مقصر اولیه می دانم. همانطور که ذکر شد شوهری که برای همسرش احترام قابل است و به او عشق میورزد کمبودی در زندگی آن زن باقی نگذاشته و مانع آن می شود که این زن بعدها دچار عقده شده، دق دلش را سر عروسش خالی کند. از طرف دیگر یک مرد در ابتدای ازدواج باید با رفتار صحیح به همسر و مادرش بفهماند که هر کدام در قلب او جایی برای خود دارند و محبت داشتن به یکی از آنها نشانه بی محبتی به دیگری نیست (اگر چه این واقعیتی است که هر زنی باید شخصاً به آن معترف باشد). در خانواده هایی که روابط عروس و مادرشوهر بر اساس صحیح بنا شده، به اعتقاد من چشمگیرترین نقش را مرد یعنی پسر آن مادرشوهر و شوهر این عروس ایفا کرده است. او کارگردان ماهری است که گاه با کلام، گاه با عمل و گاه فقط با یک نگاه امانت دهنده مورد در کمال احترام با منطقی قوی به مادر و همسرش یادآور نقش و واقعیشان و حدود امکانات و توقعاتشان می شود. او با احترام قابل شدن برای پدر و مادر زنش و آزادی دادن به همسرش در راه انجام وظایفش نسبت به آنها، به وی می فهماند که متقابلاً از وی توقع دارد برای والدینش احترام کافی قابل شده و او را هم از انجام وظایفی که

در قبال آنها دارد، باز ندارد. مسلماً گروهی از خوانندگان خواهند گفت «ای بابا، مگر همه به این آسانی به وظیفه خود پی می برند؟ بعضی ها بقدری خودخواه هستند که وظیفه شناسی همسرشان بنظرشان طبیعی است اما هیچ وظیفه ای برای خود قابل نیستند». اگر چنین چیزی واقعیت داشته باشد یک مرد فهمیده به همسرش می فهماند که زندگی زناشویی هم نوعی «دادوستد محبت» است. اگر توازن توقع محبت نسبت به والدینت داری باید متقابلاً برای والدین من احترام و علاقه قابل شوی. اگر عروسی عاقل و فهمیده باشد شوهرش را هر چه بیشتر تشویق می کند تا وظیفه اش را به نحو احسن در حق پدر و مادرش انجام دهد. چرا؟ به دودلیل: اول این که به این ترتیب خودش را هر چه بیشتر در قلب شوهر جاداده باعث می شود که او پیوسته برای چنین همسری احترام فوق العاده قابل شود. دوم این که یک یهودی واقعی می داند که احترام به پدر و مادری یکی از ده فرمان خداوند است. فریضه دینی است و بطوری که در تلمود ذکر شده:

«این وظیفه از جمله فرایضی است که انسان از سرنوشتش در این دنیا بهره ور می شود و اصل سرمایه آن در جهان آینده برای او باقی می ماند». «کتاب مقدس» وظیفه گرامی داشتن والدین را با فریضه تکریم به خدای حاضر در همه جا برابر دانسته است. یکی از مذهبیهون یهود معتقد است که: «فریضه احترام نسبت به والدین، بزرگ و مهم است، زیرا که ذات قدوس متبارک اهمیت بیشتری برای آن قابل شده است

تا برای فریضه تکریم به ذات متبارک خودش». در قسمت دیگری از تلمود آمده است: «خانه ای که در آن به پدر و مادر احترام می نهند، مشمول لطف و عنایت الهی خواهد بود». مگر شما در این خانه باشوهرتان زندگی نمی کنید؟ پس اگر او برای والدینش احترام قایل شد و خانه مشترک شما مشمول لطف و عنایت الهی خواهد بود. اگر شما حقیقتاً به شوهرتان علاقه مند هستید، حتی تصور کم لطفی او به والدینش باید شما را دچار وحشت کند، چون هر عقوبتی از این باب برای او مقدر شود اساس معادت شما و فرزندانتان را هم متزلزل خواهد کرد.

مجدداً برمی گردیم بر سر نقش بسیار مهمی که مرد چه در مقام پسر و چه در مقام شوهر در جریان نفاق میان عروس و مادر شوهر ایفا می کند. مرد یا همانطور که گفتیم کارگردان صحنه همانطور که به همسرش می فهماند به صلاح او است یا والدینش روابط حسنه داشته باشد، باید در کمال ادب و سیاست مادر خود را هم از دخالت های بیجا در زندگی خصوصیش بر حذر دارد. مرد با اراده و فهمیده یک بار برای همیشه هم به همسر و هم به مادرش می فهماند که به هیچ وجه نباید پشت سر یکدیگر و در حضور او از همدیگر بدگویی و غیبت کنند. ولی یک مرد بی تجربه و ختام، وقتی در حضور مادرش از همسر خود بدگویی می کند شکی نیست که او را هم به همین عمل تشویق می کند. اختلاف و مسأله میان او و همسرش بالاخره رفع خواهد شد ولی مادر که فدایی فرزند است کینه عروس یا آن کس که عزیز کرده اش را آزار داده هرگز ازدل بیرون نخواهد کرد.

این امر در مورد روابط داماد با والدین زن هم صدق می کند، زن فهمیده هم به هیچ وجه نباید در برابر والدین خود از شوهرش بدگویی کند، چون زن و شوهر بالاخره مسأله رامیان خود بر طرف خواهند ساخت ولی پدر زن و مادر زن در قلب خود هرگز دامادشان را نخواهند بخشید. در مورد اهمیت نقش مرد در این زمینه ساعت ها می توان صحبت کرد. خلاصه کلام این که یک مرد با سیاست و منطقی بندرت ممکن است با چنین مسایلی مواجه شود. او مادرش را به محبت کردن به همسرش تشویق می کند و همسرش را به محبت کردن به مادرش و خودش به هردوی آنها بجای خود صادقانه محبت نشان می کند. اما جا دارد کمی هم در مورد خودمان صحبت کنیم. منظور ما زنهای است، که هم عروس هستیم و به احتمال زیاد روزی مادر شوهر خواهیم بود. آیا علاقه مرد به مادرش منافاتی با علاقه او به همسرش دارد؟ این درست مثل این



است که بهر سیم آیا علاقه یک زن به شوهرش منافاتی با علاقه او به فرزندانش دارد؟ واضح است که جواب منفی است. قلب انسانها آنقدر هم کوچک نیست که فقط محبت یک نفر در آن بگنجد و آن کس که فقط محبت یک نفر را در سینه اش جا دهد انسان نیست. شخصی که اعتماد بنفس و بزرگی روح دارد از این که همسرش، مادرش را دوست بدارد یا پسرش به همسر خود عشق بورزد نگران و مضطرب نمی شود. اگر در اطراف خود دقت کنیم پی می بریم مردی که برای مادرش احترام و علاقه قایل نباشد برای همسر خود نیز چندان علاقه و عشقی قایل نخواهد شد و اگر بشود کوتاه مدت است. اگر عروس هستیم باید متصفانه بیندیشیم، مادری که طفل شیرخواره ای را با شیرۀ جان خود پرورده و تبدیل به جوان رشیدی کرده است، به دیدن او شنیدن صدایش و محبت هایش نیاز دارد. کدام مادری است که به جز این باشد؟ و بی انصافی نیست اگر در مسیر طبیعی چنین رابطه روحانی و زیبایی، خلل وارد سازیم؟ همکار گرامی خانم نینا استوار در پایان مقاله خود می نویسد:

«از دواج فرزندان نه پایان نقشی است و نه آغازگر نقشی دیگر. بلکه ادامه زندگی است. و زمان آن فرارسیده که بزرگ کردن نوه ها، وقت و بی وقت سر کشیدن به خانه دختر و پسر، از رده «ادامه زندگی» خارج گشته و جایش را به سرگرمی های جالب تر و آموزنده تر و اگر جاسارت نباشد بی آزارتری دهد». این قسمت را شاید ده بار بخواندم و هر بار تصورم این بود که شاید من منظور نویسنده را درست درک نمی کنم. آنچه که برایم قابل درک نبود اینکه بزرگ کردن نوه ها و وقت و بی وقت سر کشیدن به خانه دختر و پسر چرا باید از رده «ادامه زندگی» یک مادر خارج شود؟ جایش را به کدام سرگرمی جالب و آموزنده ای باید بدهد؟ و چرا یک سرگرمی آزار دهنده محسوب می شود؟ مادر مورد زنانی صحبت می کنیم که بالای پنجاه سال دارند، اکثراً بیشتر از ۹ کلاس سواد ندارند و زبان انگلیسی را هم به درستی نمی دانند.

در این دیار غربت برای این گروه چند رقم سرگرمی جالب سراغ دارید؟ و بطور کلی گاه گذاری نوه داری یا بعضی مواقع سرزدن به فرزندان چه عیب و ایرادی دارد؟ آیا یک مادر وقتی دلش برای دیدار بچه یانوه اش پرمی کشد باید از عروس یا دامادش کسب اجازه کند؟ نه خانم عزیز ایراد کار در این قسمت هانیت. اگر روابط عروس و مادر شوهر بر پایه احترام و محبت متقابل و بدون سعی بر تحقیر و نیش زدن یکدیگر باشد، نوه داری و گاه بگاه سر کشیدن به خانه دختر و پسر برای داماد یا عروس یک موهبت خواهد بود. چنانچه شما این «اگر» را پیش می کشید، فریاد آقای «مورس شهرام» به آسمان نمی رفت. من مادر شوهرهای امروزی را منظور مادر شوهرهایی است که بالای ۶۰ سال دارند، از مادر شوهرهای بدطالع زمان می دانم. چرا؟ چون نه مثل مادر شوهرهای قدیم ارج و قرب منزلت دارند (منظورم مادر شوهرهایی است که بدون اجازه شان کسی آب نمیکورد)، نه سواد مادر شوهرهای آینده را دارند و زبان انگلیسی را درست می دانند که بتوانند در این دیار غربت به سینما و تئاتر بروند. برنامه های مختلف تلوویزیونی ببینند، کتاب بخوانند، در سمینارهای مختلف شرکت کنند و بقول شما سرگرمی های جالب تر و آموزنده تری داشته باشند. اینها نه زندگی زنگ هستند نه رومی روم. خدا کند مادر شوهرهای نسل بعد با تسلط به زبان و داشتن تحصیلات عالی از تمام این امکانات برخوردار باشند و بقول شما بتوانند سرگرمی های جالب تر و آموزنده تری داشته باشند. در آن صورت هم خود آنها خوشتر و بی نیازتر خواهند بود و هم اطرافیانشان کمتر احساس گناه یا وجدان معذب خواهند داشت ولی تا فرارسیدن آن روز بایر نسل مادر شوهر محروم چه باید کرد؟ آیا دوهفته ای یکبار دوره دوستان، یا هفته ای یکبار برنامه ناهار دوای درد آنهاست؟ آنهایی که در موقعیت های دشوار با سختی فراوان فرزندان خود را به ثمر رسانند و امروز که روز بهره برداری و فراغتشان بود اکثراً بیسوه و تنها در این دیار غربت بارنج جانکاه بی زبانی محکوم به تنها زندگی کردن و درودیوار نگاه کردن شده اند یا باید با تحقیر فراوان مثل توپ فوتبال از خانه این اولاد به خانه آن اولاد پرتاب شوند؟ لابلای مشکلات متعدد مانسل سرگشته و بی وطن این هم مسأله بسیار بغرنجی است که جامعه باید هر چه زودتر برایش درمانی بیابد. تا فرارسیدن آن روز ما باید برای این مادر شوهرها یا فرقی نمی کند مادر زن ها بیشتر احترام قایل شویم. چرا که احساس سربار بودن و پوچی احساس کشنده و دردآوری است که باعث می شود این بخت برگشتگان مرگ

را آرزو کنند. ضرب المثل «قربان برم خدارا، یک بام و دو هوارا»، اگر چه توسط عروسی گفته شد که مادرشوهرش بین او و دختر خود اشتباه قایل می شد، ولی در موارد دیگر هم آن را می توان بکار برد. اگر ما از برادر و زن برادر خود توقع داریم به مادرمان محبت و احترام کنند، خودمان هم باید چنین حقی را برای مادرشوهرمان قایل شویم.

و اما مادرشوهرهای عزیز. جسارت نشود، مردختری بدانید که با مادر خود درددل می کند. سالیان دراز بسیاری از شما از من خواسته بودید که در مورد روابط عروس و مادرشوهر مقاله ای بنویسم، زبانم قاصر بود و همینطور که ملاحظه می کنید آخر هم آنطور که لازم بود نتوانستم حق کلام را بجا آورم، اما بهر حال کوشش را بکار بردم. اما اگر واقعیت آنچنان که هست مورد تجزیه و تحلیل قرار نگیرد، بی ارزش خواهد بود. اگر عروس ها هنوز مادرشوهر نشده اند و با احساسات و خواسته های شما آشنا نیستند، شما زمانی عروس بوده اید و احساس آنها را بهتر می توانید درک کنید. قبل از هر چیز باید اعتراف کرد که عروس آنهم تازه عروسها بی تجربه و خام اند، شما که فهمیده تر و باتجربه تر هستید باید بزرگواری تر باشید. عروس مادرست مانند دخترتان با چشم امیدی به خانه بخت رفته است. تاجوان است و باصداها مشکل و گرفتاری زندگی دست به گریبان نشده می خواهد از زندگی مشترک لذت ببرد. بگذارد آزادانه از این روزهای خوش و طلائی سرمت شود. هر چه برای دخترتان می خواهید برای او هم بخواهید تا او هم شما را مثل مادرش مورد احترام و علاقه قرار دهد. احترام هر کس در دست خودش می باشد. این شما هستید که باید رفتار صحیح باعث می شوید برایتان احترام قایل شوند. جوان های امروزی برای خلوت و تنهایی خود یا بقول این امریکایی ها برای «پرایوسی» (خلوت) خود ارزشی بی نهایت قایل هستند. برای اینکه عزت و احترام شما بجا باشد، برای این «خلوت» آنها احترام قایل شوید. بدگویی از عروس اشتباه محض است. اگر در حضور خودش باشد دامن کینه و تفاق را آتش می زند، اگر پشت سرش باشد پسران برضد او تحریک شده وقتی به منزل برود باعث اختلافشان می شود. به این ترتیب زندگی به کام پسر دلبندهان تلخ می شود و این مطمئناً خواست هیچ مادر دلسوزی نیست. هر چقدر پسر خود را تشویق به محبت کردن به عروستان بکنید زندگی گرمتری خواهند داشت و عروس که کنار پسر شما احساس خوشبختی می کند برای مادری که چنین پسر تربیت کرده احترام بیشتری قایل می شود. زندگی

خصوصی آنها و تصمیم گیری در مورد چگونگی تربیت فرزندشان صد درصد بخودشان مربوط است. هرگز تا نظر شما را جویاننده اند اظهار نظری نکنید یا اگر هم نظرتان را جویانندند بهتر است از اظهار نظر ظفره بروید. این قسمت از نامه آقای موریس شهرام به تعجب برابر انگیخت. ایشان نوشته اند:

«صدی صد تصمیم های منزل یک زن و شوهر را با یکی دوسه بچه عروس می گیرد. مثلاً کجا برویم، آیا برویم یا نه، کی برویم، کی برگردیم، تولد بچه ها را چگونه بگیریم، چه بخوریم، چگونه، کی بخوابیم، چه بخوریم و هزاران هزار تصمیم کوچک و بزرگ را عروس می گیرد.» حقیقتاً باعث تحیر است، مگر سرکار آقا انتظار داشتید در مورد ساعت خوابیدن یک زن و شوهر، یا برنامه غذایی یا تفریحی آنها مادرشوهر تصمیم بگیرد. اظهار نظرهای اغراق آمیزی از قبیل اظهار نظر شماست که عروس ها را عاصی می کند. اگر مادرشوهری از عروسش انتظار محبت و احترام دارد به صلاحش است در هیچ کدام از موارد فوق اظهار نظر نکند.

این روزها که به جبر روزگار از وطن خود کوچ اجباری کرده ایم، و ناخواسته در دیار غربت ساکن شده ایم صدها مسأله کوچک و بزرگ اطرافمان را احاطه کرده است. همه نگرانیم و شوهرها بعنوان مسئول و نان آور خانواده، نگران تر و مضطرب تر از همه. بسیاری بیکارند و گروه متعددی هم زیر فشار باریک شغل تحمیلی یا اجباری یا ناخواسته تحلیل می روند. زبان بدرستی نمی دانند، با زیر و بم کسب معاش در این یشگه دنیا آشنا نیستند و این مایه همه دست بدست هم داده جسم و روح آنها را می خورد. هفته ای نیست که خبر یک سکنه قلبی یا مغزی را نشنوسیم. در طول این پنج سال در بدری، به اندازه همه عمرم خبر مرگ و سکنه شنیده ام. پس حداقل در این دوران پراشوب عروس و مادرشوهر باید به نفع «عزیزمشرکشان» آتش بس اعلام کنند و صلح را بر جنگ ترجیح دهند. بعضی درگیریهایی بین عروس و مادرشوهرها مریباید آن بازی زمان بچگی می اندازد، که دودسته رو بروی هم می ایستادند، یک دسته فریاد می زد: «کاردمن تیزتره»، دسته دیگر در جواب می گفت: «دنبه من لذیذتره». بیایید این قدرت نمایی ها را کنار بگذاریم، خانمانه صلح کنیم و روی یکدیگر رابوسیم. لذتی که در گذشت هست در انتقام نیست. اجازه ندهیم اختلاف ما فشار بیشتری باشد بر اعصاب خسته مردهای حیرانمان. به امید روزی که بهترین دوست یک عروس مادرشوهرش باشد!

جشن فدراسیون

با کوشش و تلاش فوق العاده کمیته جشن ها، جشن فدراسیون باشکوه فراوان در سالن سنچری پلازا هتل برقرار گردید.

این جشن که با استقبال فراوان روبرو گردیده بود تا پاسی از نیمه شب ادامه داشت و مهمانان فدراسیون با خاطره خوشی سالن هتل را ترک کردند.

فدراسیون باردیگر از زحمات کمیته جشن ها و همچنین از همکاری و تشریک مساعی هنرمندان گرامی که در این جشن شرکت نموده اند سپاسگزاری می نماید.

صادرات تکنولوژی اسرائیل

دولت اسرائیل در نظر دارد که صادرات تکنولوژی پیشرفته (های تک) خود را در طی دهه آینده به ۱۰ بلیون دلار افزایش دهد. صادرات صنایع منور در سال ۱۹۸۳ در حدود ۱/۳ بلیون دلار بود. طبق اظهار مقامات وزارت صنایع اسرائیل هم اکنون تعداد بیشماری از تولیدات صنایع پیشرفته اسرائیل در بیمارستان های امریکا و اروپا و با رضایت کامل مورد آزمایش قرار گرفته است.

مقامات صنعتی امریکا و بسیاری از کشورهای اروپایی معتقدند که کشور اسرائیل در مورد تولید تکنولوژی پیشرفته از امتیازی چشمگیر برخوردار است، زیرا در حدود ۵۰۰۰۰ مهندس با تحصیلات عالی می توانند به توسعه این صنعت کمک نمایند. بطوریکه پیش بینی شده است در پنج سال آینده صنایع تکنولوژی پیشرفته اسرائیل به سرمایه گزاری در حدود ۲ بلیون دلار احتیاج دارد تا بتواند به هدف اسرائیل که صادرات ۱۰ بلیون دلار در طی ده سال آینده است برسد.



هوشنگ ابرامی

حرف در برابر حرف

مشرف به رودخانه «هودسن» درآمدی عالی دارد. نه. چون برای دکتر میم از آن روز که پسر بچه ای بود و در شهر کاشان، در ماه آتشی تیر، دست دردست پدر قدم می زد و تشنه یک جرعه نوشیدنی بود و با حسرت به لیوان های تترتره و آراب آگوی کنار خیابان نگاه می کرد تا آن وقت که چپ و راست به ضیافت های پرزرق و برق شامپانی و خا و یاردعوت می شد و از هر ده تادوتایش راهم نمی رفت دنیا و مافیها و بود و نبودش برایش یکی بود. آنچه که او را از شغلش آنهمه راضی می کرد آن بود که می توانست در برابر یک انسان زنده دیگر حرف بزند و مخاطب او پادشاهان کاملاً باز حرف های او را بشنود و مجال آره یانه گفتن هم نداشته باشد. دکتر میم که حالا مردی میانسال بود سال های دراز حرف شنیده بود و حالا داشت «تقاضا» می گرفت. از ایام نوجوانی که اندوخته ناچیزش را صرف خرید کتابهایی مثل «سیر حکمت درار و پا» می کرد تا ایام جوانی که از کلاس درس «فیزیولوژی فک و دهان» می گریخت و به کتابخانه دانشکده حقوق می رفت تا شاید رد پای «موسی بن میمون» را پیدا کند، و از سال های جوانی تا سال های نوپیری که با وجود «آقای دکتر» شدن باز دست از مطالعه فردی برنمی داشت، مدام خوانده بود و شنیده بود و امکان مصاف دادن بانویستنده ها و گوینده هاراپیدا نکرده بود و حالا داشت انتقام آن سال هارامی گرفت و چه انتقامی! دلش خنک می شد. جان در برابر جان، چشم در برابر چشم، دندان در برابر دندان و حرف در برابر حرف. آن همه حرف های واعظان، و ناقدان و ناصحان و مصلحان در مغزش ملغمه ای بوجود آورده بود و او همان آتش در هم جوش را برای بیمارانش می پخت. جای بحث نبود. او باید می گفت و بیمار باید می شنید و همین بود که دکتر میم رامست و کیفومی کرد. حرف و حرف. بدون آنکه بخواهد درس اخلاقی بدهد یا فکر و ایده ای را آلاء کند.

آقای ماندگاری چشم هایش را بسته بود و دکتر میم، با قلابک شماره ۳۲ در دهان اوسرگرم مرمت یکی از دندان های چهار پایه بود و از گفتن باز نمی ایستاد:

«نامه های دیگر هم همینطور. فقط کاغذهای جد و پدر بزرگ نیست که روح آنها را حی و حاضر نگه می دارد. از هر کس

معلوم می شود. من در کلکسیون نامه های خانوادگی ام، نامه ای را که جدم به پسرش یعنی پدر بزرگ من نوشته دارم. با کلمه های فارسی و خط عبری. به رنگ بنفش. روی کاغذ چارخانه، دنیا را با این نامه عوض نمی کنم. وجود در آن ریشه دارد.»

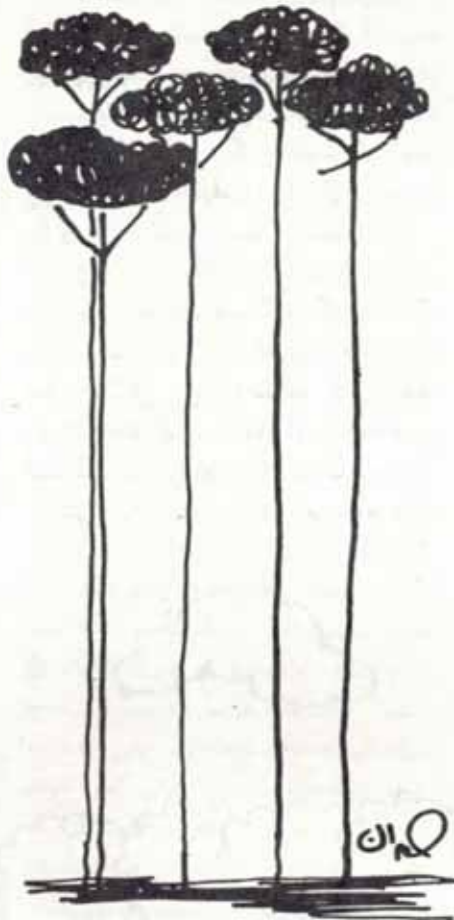
آقای ماندگاری روی صندلی مدرن زیگ زاگی که با فشار دگمه در جهت قوس دار بالا و پایین می رفت لمبیده بود و دیده به سقف دوخته بود و وحس می کرد لپش آرام آرام دارد و رمی آید و سبک می شود. دکتر میم با پیراهن سفید، کله نیمه طاس و شکم نیمه برآمده بالای سر او ایستاده بود و یک نفس حرف می زد. اگر واقعاً آن طور که جامعه شناسان تر دست ادعای کنند، چیزی بنام «رضایت شغلی» وجود داشته باشد دکتر میم از نادر کسانی است که از حرفه اش صد درصد راضی است. نه به این خاطر که در مطب آبرومندش، در طبقه هفتم بنای لوکس وزیبا

دکتر میم حرفش را بلا مقدمه این طور شروع کرد: «هیچ چیز، هیچ چیز آقای ماندگاری، جای کلکسیون نامه های خانوادگی رانمی گیرد. مثلاً این کلکسیون عکس های ریز و درشت توی آلبوم ها. که چه؟ کهنه هاش نخودی کمرنگ، مثل آب دهان مرده. دست های مرد روی زانو ها. گلدان شمعدانی جلوسندلی. گیسوی یکدست بریده خانم در حدچانه. و بعد، چشم هایی که با سوزن سوخته شده درست در نقطه تخم چشم ها. و تازه هم مثل انعکاسی از فرمان عکاس: اسمایل! این لبخندها که راستی راستی لبخند نیست. درست مثل بزرگ قیافه ها قلابی است، ساختگی است. انگار می خواهند بچه گول بزنند. اما در نامه ها، دیگر جای این حرفه نیست. نامه هافکر و قلب و روح طرف را پوست کنده جلوشما می گذارد. دل پاکی ها، غل و غش ها، یکرنگی ها و دورنگی ها و چند رنگی ها همه، برنامه است که خوب

که دورید و بیدیدار هر کس که می خواهید بروید سراغ نامه های آنها را بگیرید. نمی دانید آقای ماندگاری من در این روزها که همه نه فقط از سرگردانی و در بدری بلکه از پراکندگی و تکه پاره شدن خانواده ها ناله شان به آسمان رفته باین نامه ها چه عالمی دارم. هر شب که به خانه می روم، بدمت های شسته و نظیف، چند تایی از آنها را، آنهایی را که دلم بیشتر برایشان تنگ شده برمی دارم و می بخوانم. بیشتر آنها را آنقدر در مقابل چشمانم گرفته ام که مثل شعر از بر شده ام. بگذارید یک تکه از نامه خاله جان شمس را از حفظ برایتان بخوانم. الان نزدیک شصت سال را بایده شیرین داشته باشد. اما بنزم به چوب فرزند و چایک مانده است. بالینهمه کلمه هاروی کاغذش لرزیده اند. گوشستان که بامن است آقای ماندگاری؟»

آقای ماندگاری همانطور که چشم هایش بسته بود پلک هایش را بهم فشرد.

«نوشته است... میم عزیز دلم. خودت می دانی که چقدر از بچگی عزیز کرده خاله جاننت بوده ای. قربان قدو بالایت بروم الهی. تو بری من همان میم کوچولویی هستی که خودت را لوس می کردی تا برایت قصه بگویم. خیلی دلم می خواست پیش خاله جان بودی و باز با تو حرف می زدم. تصدقت بروم منکه قدرت نوشتن ندارم دیگر. از چی برایت بنویسم؟ حتماً با خبر شده ای که منیژه دختر میرزا افرائیم هم ماه پیش عروسی کرد. خاک عالم بسرش با آن عروسی کردنش. کاش رفته بود پیش مرحوم آقای و عروس نمی شد. نگو چرامیم نازنینم. دلم خیلی پرست. آخر داماد یک پسره گویشیم تون به تون شده است. به خدا وقتی یاد آقای افرائیم مرحوم می افتم که صبح تا نیتلا نمی خواند پاش را از خانه بیرون نمی گذاشت جیگرم پاره پاره می شود. از آن پدر این بچه ها، قربان حکمت خدا بروم. بیچاره دق پسرش را کرد که رفت زن فرانسوی گرفت. بدبخت خدا بیامرز نمی دانست که منیژه خانم کار بهرام خان را تکمیل می کند و دوتایی پدر را توی قبر هم راحت نمی گذارند. روحش شاد. میم جان. می دانم که توبه خاطر محبت به خاله جان هم شده هیچوقت اینکار را نمی کنی. با این وجود حتی اگر در این سن و سال هم همینطور عزب بمانی



کمان

بهرت است تا بروی دست یک زن خارج از مذهب را بگیرد و بیواری خانه. آخر میم عزیزم این چه دینداری است؟ بلای راکه هاما نتوانست سرما در بیارود ما خودمان داریم درمی آوریم و چاهی راکه هیستلر نتوانست برامان بکند ما خودمان داریم می کنیم. بچه های منیژه و بهرام چی از آب درمی آیند. و بچه های بچه هاشان چه؟ و دو تاسه تا نسل بعد، یواش یواش دین و مذهب افرائیم مرحوم همانجا می رود که خود خدا بیمارزش رفت. بخدانمی دانی...»

دکتر میم قلابک شماره ۳۲ را گذاشت و قلابک شماره ۳۳ را برداشت: «دقت می کنید آقای ماندگاری!»

و باز آقای ماندگاری با چشم های بسته پلک هایش را بهم فشرد و دیگر میم بی آنکه لحظه ای را از دست بدهد دنبال کلام را گرفت:

«آیا اگر من هزارتا عکس از خاله جان شمس داشتم جای این نامه می گرفت؟ همه اش راکه براتان نخواندم. فکر نکنید که مطلب خصوصی بین من و او است و یا نقشه می کشد که دخترش را برای من کاندید کند.

نه او دختر مجردی دارد و نه اینکه چیز محرمانه ای در نامه اش هست. بگذارید قبل از اینکه مجال حلاجی کاغذ خاله جان را در ذهنتان داشته باشید از نامه مهندس کامران چند سطر براتان بخوانم. باز هم از حفظ. دردی که حس نمی کنید؟»

انگشتان دکترمیم در دهان ماندگاری سرگرم حرکت بود و او امکان «نه» گفتن نداشت. این بود که اینبار با چشم های نیمه باز سرش را بالا کرد و دکترمیم خشخشی و خندان رشته سخن را ادامه داد:

«...دکتر! این نامه را دارم در یک پارک زیبا و سرسبز برایت می نویسم. روی یک نیمکت چوبی نشسته ام و با اجازه عیال سرگرم تماشای زیبارویانم. دوسه سالی می شود که این حوالی به سراغ مانیا آمده ای. نمی دانی من این شهر را چقدر دوست دارم. خیلی دلم می خواست تا آخر عمر درواشنگتن می ماندم اما خدای داد که تازیانه آوارگی مرا یکجا خواهد راند.

واشنگتن زیباست. زیباتر از زیباترین زنها. زیباتر از گردن کشیده کلثو پاترا، زیباتر از دست شکننده ونوس، زیباتر از گیسوان سیاه سارا، زیباتر از لبخند جاودانی مونالیزا، زیباتر از چشمان گیرای استر، زیباتر از غمزه کشنده تائیس که اسکندر بخاطرش تخت جمشید را به آتش کشید و زیباتر از پستان های شکیل دلبر حضرت سلیمان که او، غزل غزلها را از برایش سرود.

واشنگتن زیباست. به زیبایی مهربانی، به زیبایی انسانیت، به زیبایی بوسه و به زیبایی معصومیت. من این شهر را در همه حالش دوست می دارم و اگر نه بخاطر وجود کنگره چیها و سفارتچی هایش نبود سایه ای، هر چند بیرنگ، از قدوسیت اورشلیم را در آن می دیدم. راست می گویی! تو صدای ابراهام واسحق و یعقوب را در این خطه نمی شنوی. اما طبیعت این شهر، در تمامی فصول سال، چنان زیباست که قدرت لایزال او را در هر ذره اش می بینی.

من در این شهر، ندای خدایرا بهنگام شکستن شکوفه ها شنیده ام. من در این شهر، در آن هنگام که آدم های بزرگ در میدان وسیع و سبز آن بادبادکهای بزرگ به هوا کرده اند بازیگری زندگی را دیده ام. من در این شهر نوازش دست پروردگار را با نسیم پاییزی،



در آن هنگام که برگ درختان به رنگهای زنده زرین و آتشین و آبی و عنابی درآمده اند حس کرده ام. من در این شهر به هنگام باریدن، باران یخ پادیومرگ دست و پنجه نرم کرده ام و زنده و پیروز بر سر پای ایستاده ام. و اشنگتن شهری زیباست و بمانند زنی زیبا خوشی متنوع و چندرنگ دارد. به یک روزخشم و خنده و ناز و گریه اورادیده ام.

دکترجان! گاه در حال وهوای شیفتگی شهر، در آن دم که چون آدم مست و لولوی پرواز پروانه هارابر فراز ابرهای سفید می بینم، دستهایم را بلند می کنم و از دل فریاد برمی آورم که: ای قادرمتعال! ای آفریننده زمین و زمان و آسمان ها! من توان تماشای این همه زیبای راندارم. تریه جلال و شوکت الهی ات سوگند، همانگونه که شانه های مراچنان استوار ساختی که بتوانم تمامی دردهای قومی و ملی را که به عظمت کره ماه است بردوش بکشم، توان و تحمل مرا نیز...»

دکتر میم چون انارازهم پاشید و آنقدر خندید که از چشم هایش اشک آمد و به سرفه افتاد و رنگش تیره شد و دستش از دهان آقای ماندگاری بیرون آمد بطوری که او وحشت زده سر برگرداند و آرنج به صندلی تکیه داد و گردن کشید اما تا آمد بگوید «آ...» که «آقای دکتر» دست بر شانه او گذاشت و اورا سرچایش خواباند و با آستین چشم هایش را پاک کرد. «آخر فکرش را بکنید آقای ماندگاری.

چه کسی آنهم در این روزگار خریدار این حرفهاست؟ بادپوانه هایی مثل مهندس کامران که درواشنگتن زندگی می کنند خداوند باید به زندگی اهالی شهر و حومه رحم کند. جداً می گویم. بابا باید عقده قد داشته باشد که پرواز پروازها را روی ابرها دیده. واقعا هم همینطور است. شما ندیده اید اورا. مادر دانشگاه سربسرش می گذاشتیم. هم قد دوست دخترش بود. همه اش دنبال شعر و ادبیات و احساسات می رفت. الان هم نمی دانم زندگی اش از کجاست می شود. اینها را که در نامه هانمی نویسد. خنده ندارد؟ درحالی که ایساقک عزرا گرفته که قیمت برگ سبزدارد به مرز شصت می رسد و او هنوز کارت سبزی را نگرفته کامران از سبزی سبزه هادم می زند. تفاوت ره از کجاست... امانه... صبر کنید ببینم آقای ماندگاری آیا با همه اختلاف های ظاهری و آشکار، این

خطوط فکری به یک نقطه ختم نمی شود! آیا خاله جان شمسی بهمان اندازه شیفته زیبایی و شکوه مذهب نیست که کامران کشته قشنگی و جلال یک شهر. اما اگر همه آدم هارو بسوی یک نقطه دارند پس چرا اینهمه با آرامش یا با توحش روی سرو صورت هم چنگول می کشند؟ نه. شوخی کردم. سؤالی مطرح نشد که جوابش را بخواهید بدهید. فقط گوش کنید. جواب بی جواب. اصلاً صحبت از نامه هابودنه ناله ها. ایکاش می شد سراسر نامه ایساقک را براتان بخوانم. دریغ! توی همه جوامع ایساقک بشکلی قوی تریا ضعیف تر هست. خیلی دلم می خواست توی این جمع مایک

«نوشته است... خداوند هیچ نتاننده ای رامثل من، بدبخت و بدشانس نیافریده. آنوقت که برگ سبزیکی هفت تومان و دو قران بود من مجبور شدم هفت تومن و سه قران پول بالایش بدهم و تازه شما خودت می دانی که نصف بیشتر دار و ندارم را پشت سر گذاشتم. اصلاً ایکاش خدا گردنم را، پایم را، می شکست و نمی آمد. برای چه آمد؟ هر وقت بیاد خانه خیابان نفت می افتم که فقط صد تا خرج گنج بریهایش شد دلم آتش می گیرد. گرچه الان چهار سال است رفته اند تویش نشسته اند اما سندنش هنوز به اسم من است. فکر می کنم هر چند هم بشود آبش کرد باز با این نرخ پنجاه شصت تومن



چیزی دستم را نگیرد. پس آقای دکتر شما نگویید که چرا من اینقدر نامنجیده حرف می زنم و شکر گزار خدانمیستم. دو میلیون کجا و دو یست تا کجا! فقط شب و روز در انتظار آنم که وضع درست بشود و خودم بروم و مثل همان آدم های خوش شانس ترتیب کار را بدهم و چمدان را بدست بگیرم و برگردم. آیا می شود اینطور آقای دکتر! دعا کنید. شما پیش خداوند مقرب هستید. تریا خدا دعا کنید که خداوند دست مرحمتی هم بر پشت من بینوایزند. قول می دهم جناب دکتر، نذر می کنم، که اگر این طور بشود که من در انتظارش هستم شما را به یک چلو کباب سلطانی دعوت کنم اما بشرط آنکه...»

دکتر میم یک لحظه مکث کرد و دهان آقای ماندگاری را نگاه کرد. بعد مچ آستینش را گرفت و گفت:

«ملیح جان. ملیح جان نمی بینی؟»

گوگول یک بالزاک پیدامی شد و او را بر صفحه کاغذ ترسیم می کرد. اما این دست بقلم های امروز چه می گویند؟ چه می خواهند بگویند؟ کاغذ سیاه می کنند فقط. نه عاشقی، نه معشوقی، نه یک نتیجه اخلاقی و نه یک درس میهنی. هیچ چیز. یعنی تقصیر هم ندارند، بیچاره ها. کفگیر تفکر آدمی به ته دیگ رسیده. دیگر هیچ حرفی تازگی ندارد و حتی همین حرفی که من الان زدم. بیایید من صد تا کتاب و مقاله در همین باره بهتان معرفی کنم. اهل مطالعه هم که نیستید آخر. کجا بودیم؟ چرا می از این شاخ به آن شاخ می پریم. نوبت نامه ایساقک بود همه آنها از بر دارم فقط چند سطرش را براتان می خوانم. بعنوان اشانتیون.»

ماندگاری خواست دستش را بلند کند تا پیش بند زیر چانه اش را کمی جابجا کند اما نتوانست.

بازاین ساکن خراب شده. آن لگنچه رابده بیایدجلو. ببخشید آقای ماندگاری، باید دهانتان راآب بکشید و بریزید اینجا. بهمان سبک قدیم. این لوله مکنده نمی دانم چه مرگش شده این باردوم است که ازکار می افتد».

آقای ماندگاری نیم خیزشد ومثل آنکه توی دهانش یک سیب زمینی داغ گذاشته باشند، پف پف کنان وبایما اشاره ازدکتر میم پرسید: «خانمتان هستند؟»

دکترمیم گفت: «خیرقربان. زن رفیقم است. اماخوب گاهی، یعنی بااجازه تان، چطوربگویم؟ قصدداریم اینجایک جنرال هاسپیتال کوچلودست وپاکنیم. بالاخره آدم درتمدن غرب حل می شود. همزنگ جماعتش می شود. وگرنه به شماخواهند گفت امل وعقب مانده. می دانید چه می گویم؟ سرتان رادولاکنید آقای ماندگاری تف کنید. تف کنید. الان تمام می شود. دراز بکشید.»

آنوقت، مثل آنکه تازه یادش آمده باشد که ماندگاری حرف زده دهان اورابادودست بازکرد وبه اونخیره ماند. ماندگاری به هراس

افتاد. انگار دکتر داشت بازبان نگاه به اومی گفت: «کی بتوا اجازه دادحرف بزنی؟ الان دهان کشیفت راسرویس خواهم کرد. الان بایف پاف تمام جرمهایش را، جرم هانه، تمام حرف هایش راخواهم کشت. من به حدکافی حرف شنیده ام. حالانوبت من است که حرف بزرم. وانگهی اصلاً این کنجکاو یها، این فضولی ها بتوجه آمده؟ حالا فرض کن که ملیح جان زن من است. چه چیزش بتومی ماسد؟ یانه، نیست. بازچه چیزش؟»

دکترمیم روکرده دستیارش: «ملیح جان آن دریل شماره ۱۴» قلب آقای ماندگاری تپید ودکترمیم دنبال حرفش راگرفت: «حیف که دارد کارتان تمام می شود. وگرنه تاشب هم می ماندید همچنان ازکلکسیون نامه هایم براتان می خواندم. اه! چه شد! یادم رفت ازنامه پرفسور هارون برایتان نقل کنم. ازخاک مقدس بدستم رسیده واز «یادواشیم» حکایت هادارد. ولی چه فایده! برای شماخوانتم که چه! برای کسی خواهم خواند که پایه زمین بکوبد ومشت گره کند وفریاد بکشد، باتمام قدرتش فریاد بکشد.

شماکه اهلس نیستید. همینطور درازکشیده اید ودهانتان بازاست. انگار که می خواهید آوازکوچه باغی بخوانید. یاخیلی همت کنید مثل این عروسک های کوکی چشمهاتان رابازوبسته می کنید. فریاد، آقای ماندگاری! فریاد! بهانه نسازید! ازاینجاام بروید بیرون خیلی شجاعت وپردلی بخرج بدهید می نشینید وبرنامه آشویتز رازجانل نمی دانم چند تی.وی. خانه تان تماشامی کنید. تازه آنهم اگرآقاپسرتان اجازه بدهد.

بلند بشوید بروید سلامت! می خواهم مابقی نامه هارابرای بیماران دیگرم بخوانم. تاآخرشب خیلی وقت است. تازه چانه ام گرم شده. وعده ماسه هفته دیگر. بروید! فقط حرف نزنید! همین، خدا نگهدارتان.

«ملیح جان! نگت پلیرا»

آقای ماندگاری رفت و «نگت» روی صندلی راحت ومدرن دراز کشید ودستهایش راروی شکم گذاشت ونگاه به سقف دوخت ودکترمیم حرفش رابلامقدمه ایتطور شروع کرد: «هیچ چیز، هیچ چیز خانم ماندگاری جای کلکسیون نامه های...»

بدون مخارج اولیه

۲۴ ساعته

دفتر وکالت استنلی فرانکلین

وکیل شناخته شده و با سابقه در جامعه ایرانیان کالیفرنیا

بهمکاری خانم ایشان پری فرانکلین

۰۳۴۴ - ۹۰۱ (۸۱۸)

تصادفات صدمات بدنی و یازمین خوردگی هر نوع اشکال با شرکت های بیمه مسائل جنائی

درد فتر استنلی فرانکلین شما هیچگونه وجهی نمی پردازید تا زمانی که حق شما دریافت گردد. کمترین حق الوکاله غیر قابل رقابت را خواهید پرداخت.

دفتر استنلی فرانکلین همیشه آماده خدمت صمیمانه به همکیشان گرامی بوده و می باشد.



HAROLD MAURICE ABRAHAMS

ملی یافت و به عنوان یکی از بهترین دوندگان کشور شناخته شد.

در مسابقات المپیک ۱۹۲۴ پاریس، ابراهامس در مدت ۲۶ ساعت سه رکورد جهانی را شکست و به دریافت یک مدال طلا و یک مدال برنز نائل گردید. بار بودن مدال طلا در رشته دو ۱۰۰ متر برای اولین بار در تاریخ المپیک یک انگلیسی توانسته بود تیم امریکا را در این رشته شکست دهد. سال بعد از این مسابقات پای ابراهامس در تمرین پرش طول شکست و وی ناگزیر به ترک این ورزش گردید.

۳- ایروینگ جافی: با وجود آنکه این ستاره یهودی در مسابقات المپیک زمستانی ۱۹۳۲ در «لیک پلاسید» برنده دوم مدال در رشته اسکی نینگ روی بیخ گردید، هیچگاه علاقه واقعی خود را مبنی بر شرکت حرفه ای در بازی های بیس بال مخفی ننمود. وی در همان محله ای از «برانکس» نیویورک بزرگ شده بود که دو تن از مشهورترین بازیکنان بیس بال آن دوران را به نام های «هنگ گرینبرگ» و «هل شات» به بار آورده بود و کودکی خود را در اطراف استادیوم «جانتس» و در اطراف بیس بال می گذراند.

جافی که برای اولین بار در سال ۱۹۲۸ به بازی های المپیک دعوت شد با پیروزی در رشته سرعت همه را به تعجب واداشت لیکن مقامات المپیک بنابه دلایل غیر معقولی ازدادن مدال طلا به وی خودداری نمودند تا جایی که حتی بعضی از قهرمانان دیگر به نفع وی دست به تظاهرات زدند و بالاخره

تهیه و تنظیم: سام کرمانیان

قهرمانان یهودی مسابقات المپیک

فنلاندی هایک جوان یهودی به نام الیاس کتس بود که در سال ۱۹۰۱ در شهر «آبو» فنلاند دیده به دنیا گشوده بود. کتس علاوه بر دریافت مدال طلا در رشته دوسه هزار متر موفق به دریافت یک مدال نقره نیز گشت. کتس که یک صیونست معتقد بود از سال ۱۹۲۰ به عضویت کلوب ورزش «مکابیه» شهر «تورکو» درآمد و از طرف این کلوب در چند مسابقه محلی شرکت جست و از همین طریق شهرت ملی یافت. در سال ۱۹۲۲ کتس به هلینکی رفت و به عضویت کلوب ورزش یهودی این شهر درآمد و از آنجا به عضویت تیم المپیک فنلاند رسید.

کتس در سال ۱۹۳۳ به فلسطین مهاجرت نمود و در آنجا ازدواج کرد و صاحب یک دختر شد و به عنوان مربی و مدیر سازمان مکابیه تل آو یوان انتخاب گردید. تیم المپیک اسرائیل وی را به عنوان مربی خود برای بازی های لندن سال ۱۹۴۸ انتخاب نمود ولی چند ماهی قبل از شروع بازی ها در جریان جنگ استقلال، کتس در یک حمله عربی کشته شد ولی نامش در آرشيو ستارگان یهودی دنیای ورزش زنده خواهد ماند.

۲- هرولد موريس ابراهامس: در سال ۱۹۸۱، سه سال بعد از فوت ابراهامس این قهرمان یهودی انگلیسی فیلمی به نام «چاریوتس اوفایر» یا «ارابه های آتش» برای بزرگداشت نامش به صحنه سینما آمد. ابراهامس که فرزند یک خانواده ثروتمند بود دوندگی را از سن هشت سالگی آغاز نمود، در دوران تحصیلات دانشگاهی در کمبریج به عنوان بهترین ورزشکار دانشگاه انتخاب گردید و طولی نکشید که در انگلستان شهرت



بمناسبت برگزاری بازی های المپیک در لوس آنجلس، روزنامه «ایسرائل تودی» طی هفته های گذشته سری مقالاتی تحت عنوان شرکت کنندگان یهودی مسابقات المپیک به چاپ رسانیده که طی آن ده هائفر از این قهرمانان معرفی شده اند. مجله شوفار در این شماره منتخبی از این مقالات را ترجمه و به نظر خوانندگان محترم می رساند.

۱- الیاس کتس: در بازی های المپیک سال ۱۹۲۴ در فرانسه کشور کوچک فنلاند رقیب سرسخت امریکا در رشته دوومیدانی بود. در این مسابقات فنلاندی ها با بردن ۱۰ مدال طلا در این رشته تقریباً با قهرمانان امریکا که فقط ۱۲ مدال طلا بردند برابری می کردند. یکی از ارکان این موفقیت



ELIAS KATZ



ESTHER ROTH

کمیته المپیک رامبور ساختهند که حداقل این رشته از مسابقات رادو باره برگزار نمایند ولی چون در آن هنگام اغلب شرکت کنندگان محل مسابقات رادر «سن موریتس» ترک کرده بودند این رشته به کلی باطل اعلام گردید.

جانی در سال ۱۹۳۲ به بازی های المپیک بازگشت و علی رغم آنکه در طی یکسال قبل از مسابقات به علت بستری بودن مادرش نتوانسته بود به تمرینات خود پردازد و علی رغم کلیه اذیت و آزارهایی که از طرف هم تیمان خودش به دلیل یهودی بودنش بروی وارد می آمد موفق به دریافت دو مدال طلا در رشته های سرعت ۵۰۰۰ متر و ۱۰۰۰۰ متر گردید و تبدیل به یک قهرمان ملی گردید.

۴- ایبل کیویات: با شروع بازی های المپیک ۱۹۸۴ در لوس آنجلس ایبل کیویات در سن ۹۲ سالگی تنها قهرمان بازمانده بازی های المپیک ۱۹۱۲ خواهد بود. وی که با تمرینات بسیار مشکل خود را آماده می سازد تا در رساندن مشعل المپیک در نیویورک به لوس آنجلس شرکت جوید رکورد جهانی دو ۱۵۰۰ متر را که چندی قبل از مسابقات سال ۱۹۱۲ بدست آورده بود تا سال ۱۹۱۷ دارا بود.

با اینکه کیویات در طی مسابقات المپیک ۱۹۱۲ با وجود تعجب همگان موفق به شکستن رکورد قبلی خود نگردید و با وجود آنکه دو سال بود که در هیچ مسابقه ای مغلوب نگردیده بود در این مسابقه دوم گشت و اجباراً به مدال نقره قناعت نمود.



EVA SZEKELY

۵- استرروت شاخاموروف: این بانوی خوش سیمای سیه موی اولین فرد اسرائیلی است که به مقامات نهایی بازی های المپیک رسید. وی که متولد سال ۱۹۵۲ می باشد با دست یافتن به مدال های طلا در بازی های مکابیه و مسابقات آسیایی در اوایل دهه هفتاد به عنوان بهترین زن دوندۀ آسیا شناخته شد.

استرروت در المپیک ۱۹۷۲ در بازی های مونئیخ شرکت جست و به طرز معجزه آسایی از مرگ حتمی بدست تروریست های فلسطینی نجات یافت، ولی در همین حمله بسیاری از دوستان نزدیک خود منجمه مریش «امتیهور شپیرا» را از دست داد و مدتی چند از دنیا رفت و ورزش کنارش گرفت. در المپیک ۱۹۷۶ مونترآل بنا به اصرار مقامات المپیک اسرائیل شرکت جست و با وجود آنکه تا آن موقع ازدواج کرده و بچه دار نیز شده بود موفق شد به مرحله نهایی بازی ها راه یابد ولی در این مرحله مغلوب گشت. استرروت امروزه مربی تیم دبیرستان «هرتصلیه» می باشد.

۶- اواسزکلی: در بازی های المپیک ۱۹۵۲ موقعی که او در سن ۲۴ سالگی به دریافت مدال طلا در رشته شناتائل گشت آخرین مرحله امید کودکی این دختر ترک مجارستانی از جنگ در رفته به وقوع پیوست.

در سن ۱۱ سالگی او که به دلیل آنکه بقیه یهودیان «ترس از آنتی سمیتسم رادر چهره خود نمایان می ساختند» خود را از آنان جدا می دانست زیراتصور می کرد که به دلیل استعداد خدادادی خود از این قبیل مسایل مصون خواهد بود. ولی سه سال بعد در سال ۱۹۴۱ به دلیل یهودی بودن از تیم کلوب شنای خود اخراج گردید. اما او هدف خود را مشخص کرده بود و با همین امید بود که توانست سختی سال های جنگ را تحمل کند و با وجود آنکه در «بوداپست» درخفا زندگی می کرد کماکان به تمرینات روزمره خود ادامه می داد.

بعد از جنگ در سال ۱۹۴۷ به پاریس رفت و در آنجا با «دزسوجیاریاماتی» قهرمان «واتر پولوی» مجارستان آشنا شد، و بالاخره به عقد وی درآمد. در بازی های المپیک ۱۹۵۲ هلینکی این زوج جوان هر دو موفق به دریافت مدال طلا گشتند. چهار سال بعد بلافاصله بعد از آنکه او و همسرش عازم بازی های المپیک ملبورن شدند، شورش های مجارستان آغاز گردید و بعد از آن هم ارتش شوروی به داخل مجارستان سرازیر گشت.

او که دختر دوساله خود را به همراه بقیه اعضای خانواده در مجارستان باقی گذارده بود با دریافت اخبار شورشها، کمیود مواد غذایی و اعداد های دستجمعی قصد مراجعت نمود ولی چون موفق نگشت سفر خود را به سوی ملبورن ادامه داد ولی قلب و روحش در مجارستان بود. تحت تاثیر این وقایع او این بار فقط توانست به مدال نقره دست یابد ولی شوهرش برای بار دوم مدال طلا را دریافت کرد. با خاتمه مسابقات او و دزسوسی کردند به صورت مخفیانه از طریق اطیش وارد مجارستان شوند تا اعضای خانواده خود را از یوغ کمونیست ها برهانند، ولی در جریان این کار دزسوسی دستگیر شد و به هلاکت رسید. او بالاخره موفق شد با پاسپورت جعلی خود و دخترش را از مجارستان خارج سازد ولی پس از چند سال به خاطر نگرانی برای سایر اعضای خانواده اش بدانجا بازگشت.

در مراجعت، او در حین تربیت دختر خود «آندریا» در رشته شنا، به ادامه تحصیل پرداخت و بالاخره به داروسازی مشغول گشت. آندریا در سال ۱۹۷۲ در مسابقات مونئیخ شرکت جست و از خود یک رکورد جهانی باقی گذاشت و به دریافت یک مدال نقره نیز نائل گردید.

مذهبی طی نامه مفصلی سولاتی را مطرح نموده اند که امیدواریم در اولین فرصت بوسیله افراد ذیصلاحیت به آن پاسخ لازم داده شود.

نامه ای از انجمن یهودیان ایرانی مقیم شیکاگو

به مناسبت جشن یوریم مجلس شب نشینی از طرف انجمن یهودیان ایرانی مقیم شیکاگو در تاریخ دهم مارچ ۱۹۸۴ با حضور ۱۸۰ نفر از اعضاء انجمن ترتیب داده شده بود. در این مجلس دوشیزه سپیده کیوانشاد مقاله زیر را قرائت کرد که فوق العاده مورد توجه واقع گردید.



ما و شما

دوستان عزیز:

• توجه داشته باشید که در این صفحه تنها به نظرات و نامه هایی اشاره میشود که نام نویسنده و یا گوینده نظر، آدرس و شماره تلفن آن دقیقاً ذکر شده باشد. از چاپ نامه های بدون امضاء و یا پاسخ به تلفن های بی نام خودداری میشود. در صورت تمایل نام شما نزد ما محفوظ خواهد ماند.
تلفن تحریریه شوفار ۶۵۵-۷۷۳۰ (۲۱۳) است و آدرس ماهشت مجله چاپ شده است ■

نامه های رسیده

نامه های کثیری از عده ای از خوانندگان شوفار به دفتر نشریه رسیده که از آن جمله عبارتند از: نامه رسیده از آقای یوسف کهن در مورد عبید شاور و عورت که چون تاریخ برگزاری آن سپری شده از درج آن معذوریم و در فرصت های بعدی از آن استفاده خواهد شد.

از اشعاری هم که رسیده یکی شعری است از خانم نصرت ساقیان در وصف بهار وطن که با احساس سروده شده و حاکی از عشق بی شائبه ایشان به ایران است و دیگر قطعه ای سروده آقای حبیب شهباز تحت عنوان «فریاد، فریاد» که از زبان دختر نه ساله ای سروده اند و ندائی و هشدار است به مادران از جدائی ها.

نامه ای هم از آقای یعقوب اصیل بیوست بایک نسخه متن دعای قدس به زبان فارسی دریافت شده که در یکی از شماره های آینده برای استفاده علاقه مندان به چاپ خواهد رسید.

• دوست و خواننده دانشمند آقای دکتر رحمت الله الیجانی در مورد انجام مراسم و شعائر

قابل توجه خوانندگان

دوستانی که در نهایت لطف و مرحمت برای شوفار مطلب و مقاله می فرستند لطفاً باین نکات توجه فرمایند:

- از هر دوروی کاغذ برای نوشتن استفاده نکنید.
- یک روی آنرا خالی بگذارید.
- یک خط در میان بنویسید.
- لطفاً خوش خط و خوانا مرقوم بفرمایید و در صورت امکان مطلب را تایپ کنید.
- مقالات و مطالبی که به دفتر هیأت تحریریه می رسد متعلق به شوفار خواهد بود و در صورت لزوم تصحیح و تلخیص می شوند. اصل مطالب به صاحبان آنان مسترد نمی گردد. بهمین علت بهتر است فتوکپی نوشته خودتان را برای ما بفرستید. از چاپ مطالبی که با اهداف کلی نشریه و موازین و اصول مورد قبول هیأت تحریریه مغایرت داشته باشد معذوریم.

کسانی که مایل نیستند نوشته هایشان مورد جرح و تعدیل و تلخیص یا تصحیح قرار بگیرد این نکته را در نامه خود تذکر بدهند. در صورتیکه انجام این تقاضا امکان پذیر نباشد از چاپ مطلب خودداری خواهد شد.

من کیستم

من فرزند خلف و راستین اولین رادمرد حق شناسم، فرزند ابراهیم خلیل. من پایمردی و استواری در راه یزدان پرستی را از او به ارث برده ام. من این میراث را برای هزاران سال حفظ کرده ام. من آزمایش کوره های آتشین را از او آموخته ام.

من فرزند اسحاقم، که با خلوص نیت و اراده خود به قربانگاه شرافت تادرس عشق یکتا پرستی رابه فرزندان انسان بیاموزد.

من فرزند یعقوبم که یک تنه با دیو جهل و ظلم به پیکار برخاست و نام راستکار را از درگاه غیب دریافت کرد.

من درهم کوبنده بیداد فرعونم، من از خبیابانهای ژرفنای دریای سرخ گذشته ام. من صاحب اولین و آخرین قانون اساسی انسانم. من وارث ده فرمان موسی عمرانم. من بنیان گذار حکومت قانونم، من صاحب گنجینه های بی پایان دانش داود و سلیمانم.

من فرزند حشموانیم مبارز پیروز دورانم. من با بر قدرت روم، ازدهای تاریخ جنگیده ام. من افسانه مصدا را به یادگار گذاشته ام.

من گرچه کوچک و بسیار کوچکم، تمدن

تنها روزنامه عبری اروپا بیست و پنج ساله شد



دریافت می کنند و شواهدی در دست است که یهودیان روسیه هزاران نسخه از روزنامه را تکثیر و بین صدها اجتماع یهودی در سرتاسر روسیه بخش می کنند.

از سالها پیش گردانندگان روزنامه هر روز و بدون وقفه نامه های تشکر آمیز از خوانندگان روسی دریافت داشته اند که همیشه از قانونی بودن روزنامه و از اطلاعاتی که در مورد یهودیت دریافت نموده اند سپاسگزاری می کنند.

نوشتجات روزنامه جنبه مذهبی و یهودی دارد و عشق به صیون همواره در صفحات آن آشکاراست. از لحاظ صنفی رویتا مدافع پیشرفت اجتماعی و عدالت است.

ربای بزرگ رومانی دیوید روزن که اکنون ۷۲ سال دارد از ابتدای انتشار این روزنامه راسپرستی کرده است.

فرستنده: ادموند بنارش

بیست و پنج سال پیش فدراسیون مجامع یهودی جمهوری سوسیالیستی رومانی شروع به انتشار روزنامه *Revista Culturali Mozak* به سه زبان عبری، رومانی و ییدیش کرد. اخیراً نیز یک بخش انگلیسی به این روزنامه اضافه شده است.

رویتا که در بخارست منتشر می شود نه تنها بدست هر خانواده یهودی رومانی می رسد بلکه برای نمایندگان سایر مذاهب و کلیه روشنفکران رومانی هم ارسال می شود.

رویتا تنها روزنامه ای در شرق وحی غرب اروپاست که به زبان عبری منتشر می شود و در سالهای اول انتشار هزاران نفر عبری را از مطالعه صفحات مخصوص این روزنامه فرا گرفته اند.

متجاوز از ۸۰۰ مشترک در اتحاد جماهیر شوروی این روزنامه عبری را بطور قانونی

باعظمت دنیای نورساخته ام. فرهنگ جهان را بنیان گذاشته و توسعه بخشیده ام، علم و دانش بشری را به سرحد کمال رسانیده و با زهم به پیش می برم. من به دنیا، مارکس ها، فرویدها، سالک ها، فلمینک ها و انشتین ها تقدیم کرده ام تا اقتصاد و فرهنگ و دانش پزشکی و تکنولوژی بشر امروزی را بسازند.

در هر برگ گنجینه های علمی و آنسیکلو پدیهای جهان نام یکی از فرزندان من به افتخار ثبت شده است. گرچه هر چندگاه در یک نقطه از جهان به نحوی قصد نابودی مرا کرده اند، اما من هرگز نمی میرم، فرعون ها، بخت النصرها، قیصرها، هامان ها و هیترهای فراوان بر من تاخته اند، اما هرگز نتوانسته اند مرا در هم بشکنند.

مراقطه قطعه کرده اند اما هر قطعه ام نوید تازه ای به جهان داده است. در زیر ضربات بی عدالتی های خود چون آهن گداخته بر سندانم کوبیده اند، ولی چون پولاد آبدیده تر شده ام، بدرون کوره های آتشم فرو کرده اند اما نتوانسته اند روحم را بسوزانند.

من از کوره های آتشین تاریخ هر بار پاک تر و ناب تر خارج شده ام، جلوه تازه تری به جهان تمدن داده ام.

من راهم را گم نکرده ام و هرگز هم گم نخواهم کرد، چون چلچراغ جاودانه قراره خود دارم.

من هرگز نمی میرم، چون پیوندم ناگسستی است و از منبع ابدی حیات سیراب می شوم. من یهودیم.

تلفن: ۸۲۶۸-۹۳۸ (۲۱۳) **تعلیم پیاو بطور خصوصی توسط دوشیزه ایرانی**

۳ کی بی چیست و کجاست؟

Nationwide Tax Consultants Inc.
JOSEPH BOODAIE B.S., M.B.A.
Tax Consultant

یوسف بودائی

مشاور امور مالیاتی و حسابداری

دفتر مرکزی (انسنو)

16311 Ventura Blvd.
Suite 640
Encino, CA 91436
(818) 789-6969

10850 Wilshire Blvd. دفتر وست وود
Suite 800
Los Angeles, CA 90024
(213) 470-0111

داروخانه در ولی

- تحویل مجانی
- پارکینگ مجانی
- خدمات شخصی
- نسخه
- هدیه
- وسایل پزشکی
- انواع ویتامین

Boulevard Pharmacy
16311 Ventura Blvd.
Encino, CA 91436
(818) 990-2266

Venwood Pharmacy
16100 Ventura Blvd.
Encino, CA 91436
Tel: (818) 789-0424



The Equitable Life
Assurance Society of
the United States

دفتر خدمات بیمه

الیاس وژوین اسحقیان

بیمه های درمانی، پس انداز، و عمر

«اسحقیان»

راهنمای صدیق شما در امور «بیمه»

Eshaghian, Elias & Joubin
16055 Ventura Blvd.
Suite 600
Encino, CA 91436
986-5200
تلفن های: 872-2613
مستقیم: 906-3666

دکتر جهانگیر جانفزا



متخصص درکایروپراکتیک

— طب سوزنی

معالجه دردهای عصبی، سردرد،
گردن درد، کمردرد، وصدعات ناشی
از تصادفات اتومبیل وسایر حوادث
بدون نجویز دارو.
بیمه های درمانی پذیرفته میشود

9301 Wilshire Blvd. Suite 611
Beverly Hills, Ca. 90210

تلفن ۲۴ ساعته ۸۵۹-۸۴۹۴ (۲۱۳)

15301 Ventura Blvd. Suite 300
Sherman Oaks, Ca. 91403

Tel: (213) 907-8566

دکتر ژاک بهفرین

متخصص زنان و زایمان از امریکا
دارای فوق تخصص نازایی و غدد از امریکا

انتقال مطب خودرابه 6317

Wilshire Blvd., نزدیک ساختمان

JEWISH FEDERATION

به اطلاع هموطنان وهمکیشان می رساند

تلفن ۵۵۴۲-۶۵۱

پذیرایی باتمین وقت قبلی

داروخانه کرسنت

ارسال دارو به ایران
ارسال دارو توسط پست
لوازم آرایش

قبول کلیه بیمه های درمانی ومدیکر
تلفن: ۶۵۳۴-۶۵۶۶ (۲۱۳)

به مدیریت دکتر داروساز ایرانی
هشیر شاقی

باتدریس زبان فارسی بعنوان زبان دوم موافقت شد

برای یادگرفتن زبان فارسی ودریافت «کردیت» برای ورود
به دانشگاه ازهم اکنون فرزندان خودرابه کلاس های فارسی
مدرسه بوری هیلسز که زیرنظر دکتر بروخیم اداره می شود
هدایت فرمائید.

برای ثبت نام از ۲۱ جون روزهای دوشنبه الی پنج شنبه از ساعت ۹ الی ۳
بعداز ظهر به آدرس زیر مراجعه فرمائید.

Beverly High school
241 S. Moreno Dr., No. 122
Tel: (213) 470-1065

استخدام

به یک نفر دستیار که به زبان انگلیسی تسلط
داشته باشد، با ۲۰ الی ۳۰ سال سن
برای کاردر یک لیکوراستور واقع در
بوری هیلسز هفته ای ۳۰ الی ۴۰ ساعت
مورد نیازی باشد.

۶۵۲-۵۳۳۴

۶۵۲-۵۸۳۳

تلفن:



SHOHAM INTERNATIONAL TRADING CO. INC.

تراش دهنده و وارد کننده سنگهای برلیان و رنگی (زمرد، یاقوت

یاقوت قرمز و کبود) باقیمت های عمده فروشی

بهترین و زیباترین ساعت های عروس باقیمت تجارتنی

خریدار برلیان وجواهرات شما

مشاور و راهنما در خرید و فروش سنگهای قیمتی شما

شعبه کالیفرنیا ۲ و ۶۱۱۱-۶۲۷ (۲۱۳)

شعبه نیویورک ۵۲۰۰-۸۶۹ (۲۱۲)

به مدیریت

موتیز دوپن

606 S. Hill St. Suite No. 11
Los Angeles, Ca 90014

انجمن هاوسازمانها

برنامه سازمان جوانان تیکوا وابسته به مجتمع فرهنگی یهودیان ایران

شنبه ۲۸ جولای ۱۹۸۴ از ساعت ۹ شب تا ۲ بامداد، دیسکو پارتی جوانان در سالن معریوتمپل. جهت کسب اطلاعات بیشتر با تلفن های ۴۶۶۷-۳۴۴ و ۷۵۹۲-۹۳۹ تماس حاصل فرمائید.

اطلاعیه: بانزدیک شدن اجرای پروژه ساختمانی مجتمع فرهنگی، بدین وسیله از کلیه افرادی که در مقام مهندس محاسب، مهندس تأسیسات، متخصص امور سیم کشی و لوله کشی، بنا، نجار، نقاش، درب و پنجره ساز و غیره آماده همکاری صادقانه در ایجاد این بنای اجتماعی، فرهنگی و مذهبی می باشند دعوت می شود هر چه زودتر در روزهای اداری از ساعت ۱۰ صبح تا ۲ بعد از ظهر از طریق تلفن شماره ۴۷۴۰-۷۴۶ (۲۱۳) با آقای روبن تماس بگیرند.

ضمناً از کلیه افراد خیر و نیکوکاری که مایلند نام خود و یا عزیزانشان برای همیشه در زمره پایه گزاران این مجتمع قرار گیرد و ترجیح می دهند از طریق کمک های جنسی سهمی در ایجاد بنای مجتمع داشته باشند، تقاضا می شود برای اهداء (و یا فروش به بهای مناسب) هرگونه لوازم ساختمانی از قبیل الوار، سیمان، آهن، چوب، لوازم لوله کشی، لوازم سیم کشی، نقاشی و غیره هر چه زودتر با دفتر مجتمع فرهنگی: P.O. Box 5973-217 Sherman Oaks CA 91413 مکاتبه نموده و یا از طریق تلفن شماره ۴۷۴۰-۷۴۶ (۲۱۳) با آقای روبن تماس بگیرند.

دوستاناران ایرانی سیتی آف هوپ

جلسه آینده انجمن دوستاناران ایرانی سیتی آف هوپ ساعت ۷ بعد از ظهر روز سه شنبه ۲۴ جولای ۱۹۸۴ در محل کتابخانه عمومی سانتامونیکا واقع در شماره ۱۳۴۳ خیابان ششم، نش سانتامونیکا و خیابان ششم برگزار می گردد.

سازمان بانوان یهود

۱- سمینار گروه مذهبی و فرهنگی مربوط به سازمان در زمینه لزوم تشکیل کنیسا برای ایرانیان یا اختلاط آنها با سایر کنیساهای امریکایی با شرکت راب دیوید شوفت و دکتر شیرزاد ابراهیمیان و دکتر شوقی با حضور عده زیادی از مردم برگزار شد.

۲- گردهمایی ماه جون سازمان با سخنرانی بسیار جالب خانم هما احسان در زمینه «از کجاتابه کجا» آغاز شد و با بحث با سایر خانم ها پایان یافت.

۳- بمناسبت هشتمین سالگرد تأسیس سازمان

بانوان یهود ایرانی مقیم جنوب کالیفرنیا سازمان

مهمانی ناهاری در روز ۲۷ جون برگزار نمود.

۴- عکس مقابل مادر نمونه دیگر، خانم پرنظررا نشان می دهد.

برنامه های سازمان جوانان هیل ایرانیان

شنبه ۷ جولای - پارتی برای جوانان در محل هیل از ساعت ۹ شب، و رودیه ۶ دلار.

یکشنبه ۱۵ جولای - برنامه قایقرانی - حرکت از هیل.

برای اطلاعات بیشتر با هیل ایرانیان شماره تلفن ۳۰۸۳-۲۰۸ تماس بگیرید.

سازمان نصیح اسراییل

طی جلسه سمینار بررسی مسایل مدرسه نصیح اسراییل که در تاریخ یکشنبه ۱۳ ماه مه در کنیسه بنی دیوید تشکیل گردید، نمایندگان سازمان های یهودی ایرانی کالیفرنیا در آن شرکت داشتند، اعلام گردید که مدرسه مذکور اخیراً بوسیله Bureau of Jewish Education رسمی اعلام گردیده و برنامه های آن به تصویب دفتر فوق الذکر رسیده است.

در مورد تمامین بودجه لازم جهت گسترش برنامه های آموزشی مدرسه، مقرر گردید از همه سازمانها تقاضای کمک و تشریح مساعی گردد تا در راه پیشبرد اهداف فرهنگی و پرورش نسل آینده جامعه موفقیت های لازم کسب شود.



JEWISH VOCATIONAL SERVICE
of LOS ANGELES

S.F.V. 907-5506

L.A. 655-8910

Cashier/Counter Worker, Sara G: Has some banking experience in Iran. (GW)

General Office/Typist, Roya N: 50 wpm Seeping secretarial job or telephone operator/reception. Front office appearance. Capable worker. (GW)

Chemist, Farhad M: Biochemistry, organic materials. Lab production work, research. (GW)

Delivery Person, Jacob A: 3 Years driver in Sacramento. (DT)

Refrigeration & Air Condition Repair, Shahreyar A: Completed 1 year training program. (DT)

Mechanical Engineer, Behrouz A: Local education and experience. (DT)

Architectural Designer, Houshang M: Experienced in commercial and residential design as coordinator and senior draftsman. (DA-SFV)

Janitorial, Matitiah R: Minimal English, older man needs steady work in the valley. (DA-SFV)

Jewelry Repair, Maroun K: Interestd in apprentice position part or full-time. (DA-SFV)

Chemical Engineer, Iraj S: Plastic synthetic leather - tires - heavy management background. Production expertise. (BE)

Clerical, Nahid M: Very personable, good office skills, lite bookkeeping, good English. Prefers mid-Wilshire location. (BE)

Retail Stock/Shipping, Rashel Y: This hardworking lady need entry level job in San Fernando Valley. (BE)

Computer Programmer or Management, Mike S: 8 months hands on experience. Degreed in computer science. Over 10 hi-level programming languages. Speaks 6 languages fluently. 6 Years retail management experience in New York City. Young, ambitious, career oriented. In L.a. only 1 month. Needs a position immediately to help support mother. (LS)



د کتر ژاله ما کابی (منصوری)

دندانپزشک

در منطقه ولی

Warner Victory Medical Center

6325 Topanga Canyon Blvd.
No. 326
Woodland Hills, CA 91367

(213) 340-8202

تلفن ۲۴ ساعته ۷۱۰-۰۹۱۹

بیمه های درمانی پذیرفته می شوند

د کتر شیرزاد ابراهیمیان

Shirzad A. Abrams M.D.

جراح و متخصص بیماریهای استخوان
مفاصل، ستون فقرات و شکستگیها

DIPLOMATE AMERICAN BOARD OF
ORTHOPEDIC SURGERY

501-5326

تلفن ۵۰۱-۵۳۲۶

16311 Ventura Blvd. Suite 520
Encino, Ca. 91436

در منطقه انیسو

د کتر مهدی جندقی

متخصص و جراح بیماریهای زنان
وزایمان

رزیدنس سابق دانشگاههای کرنل
و جرج واشینگتن با سابقه ۲۰ سال طبابت
در آمریکا

16661 Ventura Blvd., No. 225
Encino, CA 91436

Tel: (818) 905-0007

پذیرایی باتمین وقت قبلی

وقایع تاریخی و مذهبی یهودی

ماه سیوان ۵۷۴۴

(برابر با آدینه اول ژوئن تا شنبه ۳۰ ژوئن ۱۹۸۴)

آدینه اول سیوان برابر با اول ژوئن ۱۹۸۴: روز روش خودش، اولین روز ماه سیوان.
اول ماه سیوان ۲۴۴۸ (۳۲۹۶ سال قبل): سالروز ورود قوم اسرائیل به صحرائی سینا به رهبری حضرت موسی.

دوم ماه سیوان ۵۷۲۴: بیستمین سالگرد درگذشت شادروان حبیب الله کهن بنیانگذار دبستان اتحاد نوکتیای کهن در خیابان نواب تهران.

چهارشنبه ششم و پنجشنبه هفتم ماه سیوان (برابر با ششم و هفتم ژوئن ۱۹۸۴):
دوروز عید شاو و عوت، که در اولین روز آن، در ۳۲۹۶ سال قبل، هفت هفته پس از خروج قوم اسرائیل از سرزمین مصر، نورالهی در فراز کوه سینای تجلی کرد و احکام دهگانه را که اساس مذهب یهود را تشکیل می دهند به قوم که در پای کوه اجتماع نموده بودند عطا فرمود. رسم بر این است که شب اول این عید را افراد در خانه ها و یاد رکنیساها اجتماع نموده و با خواندن منتخباتی از تورا و نیز کتب انبیاء و نوشته های مقدس شب را به روز می رسانند.

ششم ماه سیوان ۵۷۴۰: چهارمین سالگرد درگذشت شادروان د کتر شکرالله مطلوبیان که پس از عمری خدمت صادقانه، در مقام پزشکی حاذق و معتمد به هموعانش در کانون خیرخواه و در مطب شخصی، به محض ورود به لوس آنجلس نیز کمر همت به خدمت به هم میهنان آواره خود بست و با پشتکاری فراوان شالوده تاسیس کنیسانی را در منطقه ولی ریخت که اینک به صورت یک مجتمع فرهنگی وسیع و آبرومند تبدیل گشته و متأسفانه اجل فرصتش نداد که شاهد نتیجه کوشش های خود باشد و روز اول شاو و عوت ۵۷۴۰ پس از خواندن تقیلای شحریت و قرائت سفر تورا دعوت حق را بیک گفت و جان به جان آفرین تسلیم نمود.

هشتم ماه سیوان ۵۵۰۶ - (۲۳۸ سال قبل): آغاز کوچ یهودیان ساکن شهرستان های مختلف ایران به تهران.

دهم ماه سیوان ۵۷۳۳: یازدهمین

سالگرد درگذشت دوشیزه ژانت کهن صدق

قهرمان دو میدانی کشور



بیست و سوم ماه سیوان ۵۷۱۶: بیست و نهمین سالگرد درگذشت زنده نام عبدالله یومطوب، فرد خیر، و انسان دوستی که سراسر عمر خود را وقف خدمت صادقانه و بی ریا به هموعان خود نمود.

بیست و چهارم ماه سیوان (برابر با ۲۴۵ ژوئن ۱۹۴۳): چهل و یکمین سالروز درگذشت «کارل لنداشایز» دانشمند یهودی اطریشی که در سال ۱۸۶۸ متولد شد و پس از بودن جایزه طب نوبل ۱۹۳۰ میلادی، دارقانی را در ۷۷ سالگی وداع گفت.

بیست و پنجم ماه سیوان ۳۸۸۰ ظ ۱۸۶۴ سال قبل): سالگرد شهادت سه تن از ده تن شهدای یهود (ربی شیمعون بن گملیل - ربی ییشمانل کهن گادول و ربی حننیا) که به وضعی فجیع و وحشیانه بدست رومیان به قتل رسیدند.

شنبه سی ام سیوان و یکشنبه اول تموز ۵۷۴۴: دوروز روش خودش تموز که مقارن است با سی ام ژوئن و اول ژوئیه ۱۹۸۴.

تهیه و تنظیم: الیاس اسحقیان



شرکت خوبان

توزیع کننده: برنج امریکایی EVANS آیونز

قند دومینو Domino Sugar — آب انار Heinkes — روغن مازولا Mazola خشکبار: پسته، بادام و گردو کالیفرنیا و انواع تخمه (ژاپنی، کدو، هندوانه) و بهترین نوع خرما و ده ها قلم اجناس خوراکی از

محصولات غذایی خوبان

و اکنون محصول جدید خود روغن ذرت خوبان

کاشر

را معرفی می کند.

روغن ذرت کاشر خوبان صد درصد طبیعی تهیه شده از بهترین دانه های ذرت در اندازه های یک گالنی در ظروف پلاستیکی



با ارائه کوپن مخصوص روغن ذرت کاشر خوبان از تخفیف ۴۰ سنت بهره مند شوید توجه داشته باشید تا آخر سپتامبر ۱۹۸۴ قابل اعتبار می باشد.

فروش در کلیه فروشگاه های معتبر ایرانی

بازار روز	خیام مارکت	ایلات مارکت
قصابی کهن	میلز مارکت	ایزی مارت
سوپرمارکت دانالدفارمز	چاریار	فروشگاه انیسو
پام مارکت	کوش	بوللی مارکت
وست وودمارکت	فروشگاه ستاره	فروشگاه ایران

فقط بایک تلفن بدون مخارج اولیه
دفتر و کالت دنیس ناگی



متخصص در امور

تصادفات و تمویل مهاجرت خدمات بدنی



دفتر حقوقی خانم دنیس برکمن ناگی

مشکلات شمارا در کوتاهترین مدت و با ارزانترین قیمت حل خواهد کرد

Law Offices of **Denise Breakman Naghi**

291 S. La Cienega Blvd., No. 210

Beverly Hills, CA 90211

شبه‌ا و روزهای آخر هفته تلفن ۲۴ ساعته ۶۵۷-۲۸۲۵ (۲۱۳) با همکاری مترجم

فارسی زبان

مشاوره در همه موارد رایگان است

باتعین وقت قبلی

NON-PROFIT ORG.
U.S. POSTAGE
PAID
Van Nuys, Ca.
Permit 431

IRANIAN JEWISH FEDERATION
6505 Wilshire Blvd., Suite 1101
Los Angeles, Ca. 90048
ADDRESS CORRECTION
REQUESTED:

SHOFAR